

# امریکا همچنان ایران را می خواهد نه کمتر

نامه  
مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۲۲۸  
دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۵۹ ، مطابق با  
۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ ، شماره ۱۵۰ روال

هنوز مرکب موافقتنامه های دلیجیایر در مورد تصدیت امریکا در برابر آزادی دگرگونانیه خشک نشده بود و هنوز هوایی حامل جاسوسان و توطئه گران دیپلمات های امریکا در فرودگاه هویس باطن به زمین نشسته بود که امریالیسم پس کردگی امریکا، چیره کتیف و شنیع خود را با دزدیک سر نشان داد. دستگاه عظیم تبلیغاتی دروغ ساز و دروغ پرداز امریالیسم پرخش افتاد. کارگر پیش دوستانه، گردن کلفت جاسوسان رانمانند نیکلیان نازک و چیره های سرخ و سفید آنها در هزاره یافت و اشک از چشمان جاری ساخت؛ پرژتسکی

پیش بینی کرده بود که دگرگونانیه پس از آزادی داستانیا از بد رفتارهای ایرانیان نسبت به خود فاش خواهند ساخت، و دگرگونانیه پس از ملاقات با متخصصان، شروع به بازگویی آن داستانیه کردند. یکی گفت که دست ویای او ریاسته وماها در زندان انفرادی تاریک اندکده اند. دیگری فاش ساخت که هر روز ناشتا طباخچه خالی به مغزش خالی کرده اند، و سوس شک نداشتند که بازها او را دروشی اعدام کرده اند و هر بار از ترس غش کرده است. مقامات به فکر افتادند که بابت این داستانیه باید از ایران خسارت بگیرند.

همین مقامات لازم دانستند که موافقتنامه های دلیجیایر را مجددا مورد بررسی قرار دهند. ریگان تلویحا این «تجدید نظر» لازم شرد، زیرا «مرکز» (آ) امریکا خواستار لغو قرارداد دلیجیایر هستند، و ریچارد هلمز، سر جاسوس سابق امریکا، نتیجه گرفت که «ایران بطرف کمونیسم می رود و باید آنرا نجات داد» تبلیغات بی شرمانه ای که «امریالیسم خیری» در اسرار دشمنیه های وحشیانه موهوم دگرگونانیه برای انداخته است و مقامات سابق و کنونی دولت امریکا در آن شرکت فعال دارند، دو هدف را در آن واحد مستحب

میکند: یکی زمین سازی برای چانه زدن مجدد بر سر موافقت نامه های دلیجیایر و تهیه امکان فراز از انجام تصدیتی که بر مرید امریکا است، و دیگری توجیه ادامه فشار و احیاناً حمله نظامی علیه ایران، که امریکا نمی خواهد تدارک آنرا متوقف کند. در مورد هدف اول یعنی عدم اجرای تصدیت، و پست عبارات ساده تر، زدن بختی از رول های ایران، باید گفت که اگر این گاتکش بین المللی دست به چنین اقدامی بزند، هوابه بسیار وحشی را در عرصه بین المللی به جان خواهد خرید. زیرا امریکا بقیه در صفحه ۴

لایحه جدید بازسازی نیروی انسانی (پاکسازی) که بتسویب هیئت وزیران رسیده، برای تصویب نهائی به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. این لایحه به گفته آقای دکتر محمد جواد باهنر وزیر آموزش و پرورش، از سوی یک هیئت مشترک مرکب از ستاد انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش و کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس تهیه شده و مربوط به تمام وزارتخانه های کشور است. آقای دکتر باهنر میباید امریالیسم را در این لایحه جدیدرا منقسم به دو بخش: یعنی جراحی

لایحه جدید بازسازی نیروی انسانی (پاکسازی) که بتسویب هیئت وزیران رسیده، برای تصویب نهائی به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. این لایحه به گفته آقای دکتر محمد جواد باهنر وزیر آموزش و پرورش، از سوی یک هیئت مشترک مرکب از ستاد انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش و کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس تهیه شده و مربوط به تمام وزارتخانه های کشور است. آقای دکتر باهنر میباید امریالیسم را در این لایحه جدیدرا منقسم به دو بخش: یعنی جراحی

بر اثر تلاش نیروهای انقلاب به مواضع تجاوزگران صدامی در خونین شهر اشغالی، خسارات زیادی وارد آمد

ستاک مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۲۸۴ خوده عملیات زرمندگان ۲۳ بهمن ماه، بقیه در صفحه ۴

**پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا**

بمناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایتالیا

بمناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایتالیا (۱ بهمن ۱۹۵۹)، از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران تلگرام زیر به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا فرستاده شد:

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا رفقای گرامی،

بمناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب پرانتخار کمونیست ایتالیا، گرمترین شادباش ها و درودهای بیکاروبیانه ما، و همه انضام حزب توده ایران را بپذیرید و به همه کمونیست های ایتالیا ابلاغ کنید.

بنیانگذاری حزب کمونیست ایتالیا رویدادی بزرگ در تاریخ غرور آفرین جنبش کارگری ایتالیا به شهادت می رود. کمونیست های ایتالیایی در شصت سال زندگی پر رخدادخویش، بر کهای حماسه آمیزی بر تاریخ و رفراز و نسب ملت ایتالیا و طبقه کارگر آن نگاشته اند. خاطر چنانچه کمونیست های ایتالیایی در پیکار علیه فاشیسم سواره جاودان خواهد ماند. حزب کمونیست ایتالیا، در پرو دفاع بیکر خود از منافع زحمتکشان ایتالیا و مبارزه علیه ثروتمند و در راه دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، سهلست که به وزه های سنگین وانکار فایزین در سحنه سیاست ایتالیا تبدیل شده است. بطوریکه حتی محافظه کارترین نیروهای ایتالیا نیز میدانند که بدون کمونیست ها نمی توان مسائل کشور را حل کرد. از اینروست که حزب کمونیست ایتالیا، که از پشتیبانی اکثریت عظیم از مردم ایتالیا برخوردار است، بدرستی، خواستار شرکت مستقیم در حکومت است.

حزب توده ایران بر همبستگی دیرینه و پایدار حزب کمونیست ایتالیا با مبارزه ضد امپریالیسم و دموکراتیک خلق و حزب ما پشتیبانی کمونیست های ایتالیایی از انقلاب شکرهمند ایران انج افراون می بندد و باز دیگر سیاستگرایی خود را در اینباره اعلام میدارد.

حزب توده ایران، ضمن اعلام همبستگی خویش با یارکار حزب کمونیست ایتالیا علیه امپریالیسم، ارتجاع و فاشیسم و برای صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، بیروزیهای مردم بیشتر حزب کمونیست ایتالیا را در راه پیشبرد هدفهای و آرایش، بسود خلق و زحمتکشان ایتالیا، خواستار است.

با درودهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دیروال: نورالدین گیالوری

**ملتهای درویند، آمریکار امسب اصلی بدبختیهای خود میدانند**

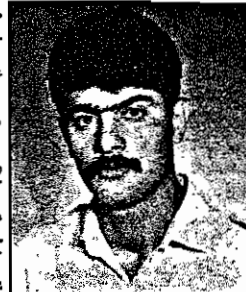
بمبارداری، وزیر مشاور در امور اجرایی و سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران در یک گفتگوی انحصاری با خبرنگاری پارس، روز پنجشنبه ۶ بهمن، اظهارات پارهای از جاسوسان امریکایی و مقامات واشنگتن را در مورد شکنجه گروگانهای جاسوس در مدت اسارتشان در بند ملت ایران، شدیداً تکذیب کرد و آنرا «پانوجه» به سبب دشمنی امریکا با انقلاب اسلامی ایران، «جهانه جوی» نامید و واشنگتن نامید بمبارداری در این مساجحه از جمله گفت:

**نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست**

**رفیق شهید، توده های قهرمان، ابراهیم راسخ، گلی که در خون پر پر شد**

رفیق قهرمان در سنگهای انقلاب، دو شادوش خلق رزمید و در چپه جنگ جان خویش را نثار انقلاب کرد.

رفیق شهید در آخرین نامه اش از چپه نوشت: «ما چون روح انقلابی داریم، بر تن این عملهای امپریالیسم نیستیم و خیلی امید داریم که حتما پیروز می شویم و حتما نام اینطور است.»



از سوی محمدعلی رجایی، نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران در رابطه با آزاد شدن جاسوسان امریکایی در پذیرش شرایط ایران توسط امریکا، پیام تشکر و تقدیر از زحمات دانشجویان مسلمان بیرو خط امام، به این فرزندان غیور مردم انقلاب ایران صادر شد. در این پیام از جمله آمده است: «وظیفه خود می دانم از زحمات طاقت فرسای شما عزیزان صحبانه تشکر کنم. شما با اشغال لانه جاسوسی امریکا به خسرو نفرت بقیه در صفحه ۴

«خیلی دوست دارم که در جرح شهیدای توده های نامی داشته باشم، و اگر روزی شهید شدم، دوست دارم که با نام حزب توده ایران به خاک سپارید و در روی سنگ قبرم بنویسید: شهید توده های که دستور حزبی، چاش را در راه ملت و انقلابش تقدیم کرد.»

(از آخرین نامه رفیق شهید ابراهیم راسخ قشایی (شهید) از چپه)

# برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### رفیق شهید...

بقیه از صفحه ۱

کشان میزد توده ای قهرمان دیگری، شقایق دیگری بر راه خوین رهائی کار بر سر است، و این اوست که گل سرخی بر دهان، قامت پیچیده دهان خون مرغاند:

ههوون بریز، که امروز روز خورش است، درنگ نکن، که درنگ کردن کار روهاده صفات بزل است.

و مثل آن روزهای قهرمانیو حساسه، که سلسله در دست، یا قامت سراپا آغشته به خون شهیدان، به ستاد ساواک یورش میرد، به دشمن حمله میکند و پانک مزید:

مرگ بر آمریکا! مرگ بر آمریکا! و در فریاد او، خلق سرریز می کند و دشت در دشت سیاه اهریمنی دژیانم و گزوها به خک می افتند و آنگاه ستاره هاو نوارها در آتش بخود می چسبند و کارگری پرچم خلق را بر آسان وطن بر می افرازد.

رفیق شهید امیرالمؤمنین و امیرالمؤمنین (مجدید) در سال ۱۳۳۷ در رشت متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همین شهر به پایان برد. سربازی را تمام کرده، دیگر با گروخت و استخوان جوانب گوناگون ستم طبقاتی را لمس می کرد. برای گذران زندگی کساردن میانه شد. سال ۱۳۵۰ در آستانه رستاخیز خلق، از طریق یک رفیق توده ای یا مواضع و نظریات حزب توده ایران آشنا شد. در همین سال او به عضویت سازمان «نویسه درآمد» در صفوف حزب طبقه کارگر ایران، گام در راه مبارزه آزادیبخش زحمتکشان گذارد. شوری که جان رفیق در آن می گداخت، او را با گامهای استوار به قلب شناخت تئوری انقلابی و به صف اول روز ما رژیم شاه و امپریالیسم میرد. یک سال نشده بود که رفیق، دیگر آن «مجدید» سابق نبود. کجیکار و مشتاق یاد می کرد، و کار می کرد. او نامی روح و چشمتی را وقت حزب کرده بود. او یک نویسنده فعال بود که آرمایی غیور از بیرونی خلق نداشت. با شور و شوق تشریح «نویسه» و دیگر نشریات حزبی را پیش می کرد.

پس از ۱۳۵۶ دیگر انقلاب آغاز شد. هر گام که انقلاب پیش می رفت، رفیق «مجدید» دیگر در راه اوچ و گال می رفت. داشت. گفتی او هزاد انقلاب بود. طولی نکشید که رفیق «مجدید» از سازماندهان «نویسه» شد و در این راه شهادت انقلابی خود را به عاایشین شکل سپرد داد. رفیق «مجدید» به شهرهای مختلف می رفت، بویژه شهرهایی که هنوز شمله های قیام در آنجا درنگ کرده بود. او به تنهایی به خیابان میرت و آقهد فریاد می کرد. هر گام بر شاه میزد، تا مردم یا او همراه میشدند. آنگاه بی شکست و جرعه در جارتو خلق می گرفت.

سال ۱۳۵۷، چشمتی آرام آرام به قیام میبید می شد. توده ها به میدان می آمدند. عید فتنی به ۱۷ شهریور گره می خورد و خون شهیدای ۱۷ شهریور به فلان می افشاند.

### آمریکاهم چنان...

بقیه از صفحه ۱

مرشوم و حتما هیئتادوست. البته مسلم است که قدری طول حرجا توده ای بود. «مجدید» بود. چا سنگر نبود و «مجدید» توده ای آنجا بود، سنگر برپا میشد. رفیق «مجدید» یکی از سازماندهان دهنندگان ظاهرا موسسی و پراکنده بود. او در مرحله فوران قهرمانیها، ابتکارات فوق العاده از خود نشان داد و نقش بسیار موثری بعهده گرفت. سرانجام روزهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ بهمن رسید. رفیق «مجدید» همراه یک گروه «نویسه» از اولین کسانی بود که در لحظه لازم، سلسله را از خود دشمن به غنیمت گرفت، در دشت آهنین خود شترد و خشم خود را با گلوله های آبر دشمن یارید. در آن روزها که کلاترپیها و یادگانبا سقوط مسر کرده، سلسله را بر شاه حایل میشد و رفقا مجروحان را به بیمارستانها می رساندند، رفقای توده ای همیشه «مجدید» را سراپا خوین می دیدند. و هم او بود که روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، سلسله در دست، در صف اول یورش به ساواک سلطنت آباد قرار داشت.

انقلاب بیروز شده بود. حزب توده ایران دیگر بار مبارزه ملی را آغاز کرده بود. اکنون لویت دفاع از دستاوردهای انقلاب و یورش به دشمن اصلی - آمریکا بود. جای «مجدید» معلوم بود: صف اول!

وقتی تجاوزگران سمدای خاک میین انقلابی ما را آوردند، رفیق «مجدید» بدلیل فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، به درخواست داوطلبانه به جبهه برود. با غیر اخبار منتقیمی خدمت های ۵۶ رفیق «مجدید» بیدرنگ خود را معرفی کرد. قرارداد رفیق «مجدید» روز ۹ مهر به جبهه برورد. از روز ۵ مهر «مجدید» آرام و قرار نداشت. سه شب تا صبح در خیابانها دوچرخه سواری و فرمش کرده تا آماده به جبهه برود. آخر روزها رفیق «مجدید» سرگرم بحث در دفاع از انقلاب و رهبری آن بود.

رفیق «مجدید» حتی برای یک روز هم از جبهه بازنگشت. او که ابتدا در جبهه اسلام آباد غرب و سپس در ایلام می رزید، بجای سروزان و گروهانان متاهل، که می خواستند به سرخس می روند، در جبهه میسند و می رزید. رفیق «مجدید» بیای نامی نوشت و در آنها با شور و خروش از بیرونی خلق بر امپریالیسم آمریکا سخن می گفت. رفیق «مجدید» نامهایش از جبهه به دیگران روحیه میسند. رفیق «مجدید» نامهای که چنین آغاز میشود: «گزارشی از یک سروز توده ای» و «حزبی، حزب پراگندش» و «حزب توده ایران»، میبوسد:

«با سلام گرم و درود بی پایان به تمام جانبازان راه وطن و سیاس ییگران به حزب، که با رهشوش مرا به این جبهه متعلق فرستاد، تا در راه آزادی جانبازی کنم.

دشمن با گداختن از این شمای، مصر اردن، آمریکا و... مخصوصا آمریکا که خوب میدانم نام این بزمیای زبر سر این شیطان بسزرگ است و همچون عربستان سعودی تا دانهای صلح است. ولی ما چون روح انقلابی داریم، بر سر این غمدهای امپریالیسم لیستیم و خیلی امید داریم که حتما بیروز

هنگامیکه شهید به جبهه می رفت، گفت: «هرجا کسی را علیه انقلاب مشغول سباسبی دیدید، به او یگونیید که حتی همین وقت و مجال سباسبی را بدین نیروهای انقلابی در جبهه جنگ هستید. چون عراقی که قصد شوخی ندارد و تصمیمی ندهد

### آمریکاهم چنان...

بقیه از صفحه ۱

دشمنند همانند یک مامله کس کلاه گذار، بلکه مانند زدی که روز روشن، بول دیکران را می ریزد، در سطح بین المللی رسواقی خواهد شد، تا آنجا که حتی رژیمهای دستنشاندهاش نخواهند توانست نسبت به «ارباب» بد گمان نشوند. این ضربه ای خواهد بود که در سطح سیاسی برای «زاندازم بین المللی» بسیار کران تمام خواهد شد. حرکت زده ای خواهد بود که خلقهای زیر سیطره آمریکا با خشم بیشتری به مبارزه علیه این بزرگترین اسارتگر عصر و رژیمهای دست نشاندهای که بر آنها تحمیل شده اند، بیاخیزند.

زنده باد مین انقلابیان ایران و رهبری خردمند ام خبیتی پیشکش! زنده و بیروزمانه خلق قهرمان ایران و تمام رژیمها را بزن!

زنده باد حزب توده ایران! سرگرم بر امپریالیسم آمریکا دشمن خلقهای جهان و خصوصا ایران! رفیق «مجدید»، چند روز قبل از شهادت، به رفقای توده ای تلفن کرد. صدای او خوشحالی می لرزید:

«دو یوزه امپریالیسم را به خاک می مالیم». و چند روز بعد - ۲۴ دیماه ۱۳۵۹ - خبر آمد که رفیق «مجدید» به قاتله شهیدای توده ای بیوسته است.

روز شنبه ۲۷ دیماه ۱۳۵۹، یک کنگر کنگر رفیق «مجدید» در مراسم باشکوهی با شرکت روحانیان مبارز، سپاه پاسداران، ارتش، ژاندارمری و دسته موزیک نیروی دریایی بر شاهنای خلق تشییع شد و در قطعه شهیدان در کنار دیگر شهیدان انقلاب، خاک سپرده شد. عمو رفیق «مجدید» در مراسم تشییع جنازه وی، دستستان خود برای آبوه مردم گفت:

«هنگامیکه شهید به جبهه می رفت، گفت: «هرجا کسی را علیه انقلاب مشغول سباسبی دیدید، به او یگونیید که حتی همین وقت و مجال سباسبی را بدین نیروهای انقلابی در جبهه جنگ هستید. چون عراقی که قصد شوخی ندارد و تصمیمی ندهد

رفیق «مجدید» قبل از اعزام به جبهه، وسایتمانه خود را در اختیار حزب توده ایران گذاشت. در وسایتمانه چنین میخوانید: «ههوون بریز، که امروز روز خورش است، درنگ نکن، که درنگ کردن کار بر روهاده صفات بزل است.»

رفیق «مجدید» در روزهای آخر حیات، به رفقای توده ای می نوشت و در آنها با شور و خروش از بیرونی خلق بر امپریالیسم آمریکا سخن می گفت. رفیق «مجدید» نامهایش از جبهه به دیگران روحیه میسند. رفیق «مجدید» نامهای که چنین آغاز میشود: «گزارشی از یک سروز توده ای» و «حزبی، حزب پراگندش» و «حزب توده ایران»، میبوسد:

یعنی در آن زمانی که دیگر امید آمریکا به تغییر سیرانقلاب ایران به یاس گزاینده بود، تقییب می شد و مشخصا، چنانکه در فاشناگر «بیهوش» سولیوان - سفیر سابق آمریکا در ایران - آمده، از طرف پرژونیکس مطرح شده بود. این نقشه سپس به وسیله ماجرای حمله مستقیم نظامی (لیس)، پس از آسونبسته کودتای ۱۸ تیرماه (نوزد) تقییب گردید، و چون هیچیک از این نقشه ها تکرر، و بیوجه حمله نظامی صدام پیگیری شد.

هم اکنون ۶ هزار سرباز نیروی هواکنش سریع در فلوریدای آمریکا مشغول تمرین حمله دریایی است. نظامی در شرایط هستند که با شرایط «منطقه عمل» شهادت دارد. ۳۲ هزار جنگسی آمریکا با ۱۸ هزار سرباز هواکنش «تیر» در «منطقه عمل» (آبهای خلیج فارس و دریای عمان و جزیره میسند) آماده دریافت فرمان تیراندازی و یکایک های نظامی آمریکا در مصر، در کنیا، در سومالی، در بحرین و در عربستان، در دیه کوگارسید، در حال حاضر بیات جنگند. آمده اند، همه اینها قبلا بعنوان ابراز دشمنی آمریکا در برابر «گروگان» گرفته توجیه میشد، و حالا به عنوان دشمن آمریکا در برابر «فکسنگ» گروگانها توجیه می شود!

اینکه همه نیروهای راستین انقلابی ایران توجه داشتند و گفتند و تکرار کردند که «آمریکا» و «گروگانها» ایران را میخواند، اینک به وضوح بیشتری آشکار است. آمریکای چنانیکار خودی خود بهانه می تراشد، از هر جبهه بهانه شمشعی نداشتند باشد، بیانه هیشکی او ساقطانه دخلت شوروی - که از زبان «نظر» است. هر جبهه شمشعی نباشد، آمریکا بگفته ریچارد هلز، درسد نهجبات ایران از دخلت کوسیتیم بر خواهد آمد، همچنان که یکبار در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بکلمت همین جناب ریچارد

رفیق «مجدید» قبل از اعزام به جبهه، وسایتمانه خود را در اختیار حزب توده ایران گذاشت. در وسایتمانه چنین میخوانید: «ههوون بریز، که امروز روز خورش است، درنگ نکن، که درنگ کردن کار بر روهاده صفات بزل است.»

رفیق «مجدید» در روزهای آخر حیات، به رفقای توده ای می نوشت و در آنها با شور و خروش از بیرونی خلق بر امپریالیسم آمریکا سخن می گفت. رفیق «مجدید» نامهایش از جبهه به دیگران روحیه میسند. رفیق «مجدید» نامهای که چنین آغاز میشود: «گزارشی از یک سروز توده ای» و «حزبی، حزب پراگندش» و «حزب توده ایران»، میبوسد:

«هنگامیکه شهید به جبهه می رفت، گفت: «هرجا کسی را علیه انقلاب مشغول سباسبی دیدید، به او یگونیید که حتی همین وقت و مجال سباسبی را بدین نیروهای انقلابی در جبهه جنگ هستید. چون عراقی که قصد شوخی ندارد و تصمیمی ندهد

هلز، که در آنسوق رئیس دانه عملیات کتیفه سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) بود، آنرا نهجبات «داج» پس آمریکا همچنان ایران را میخواند، چه کارتر، چه البته آمریکا، چه کارتر، چه ریگان و چه جانور دیگری در رأس قدرت حاکمه آن قرار گیرد، ضمن تهدید به حمله مستقیم و ضمن ایراد انواع دیگر فشارها و اجرای دیگر توطئه های ضدانقلابی در داخل ایران، سعی خواهد کرد که انقلاب ایران را سرکند، دولت «میانه رو» (لیبرال) روی کار آورد، آرام و مخزنه باز گردد و سلسله خود را مجددا برقرار کند، چون حمله مستقیم، یازی یا آتشی است که می تواند به سرعت به حریف بدل گردد و هستی امپریالیسم را بسوزاند. ولی در عین حال امپریالیسم، امپریالیسم است و تجاوز و اعمال غیر مستقیم در سرشت اوست، ماجراجویی، به ویژه در این اواخر، دخط مسطله در سیاست اوست، و بنابراین، آمریکا هرگاه آمیشد به «هری» کار آوردن یک دولت «میانه رو» در ایران میبند به یاس شود (که بهیست خلق قهرمان انقلابی ما زیر رهبری امام خمینی مندل به یاس خواهد شد)، اینا میبند یست که دست به جنون بازی یا آتش بزند.

پس ما در هر صورت برای خاموش کردن آتشی تجاوز نظامی مستقیم آمریکا، برای شکستن این دشمن غدار خلق، و همه خلقهای جهان، برای دادن درس ویتنام دیگری، باین گانگش بین المللی، باید همه جانبه آماده شویم و آماده باشیم.

این آمادگی همه جانبه مقابله ما، خود وسیله ای با زدارنه جنون گانگش بین المللی است. تواند باشد. این آمادگی همه جانبه مقابله ما - در صورت بیروز این جنون - وسیله برانو در آوردن چنانیکار دیوانه خواهد بود.

و خسارات قابل ملاحظه ای بقرای دشمن مستقر در مناطق مذکور وارد ساختند.

۴- شهر قهرمان آبادان زیر آتشی سلاح سنگین دشمن قرار داشت که در نتیجه چند باب منزل مسکونی منهدم و دچار حریق گردید. بر اثر اجرائی آتشی بویخانه مزوران به یک بیارستان در شوش خساراتی وارد و یک نفر کارگر شهید شد.

۵- قهرمانان خستگ نا پذیر و ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در یکبار جبهه های غرب کشور ضمن لبرد روهادی با مزوران عراقی توانسته چندین سنگر دشمن تجاوز را منهدم و تلفات زیادی به آنان وارد سازند. در این عملیات یک تن از سروزان اسلام بدرجه شهادت نائل شد و یک تن این مجروح گردید. در جبهه دیگری در همین منطقه یک پاسگاه، یک قیبه موشک انداز، یک انبار مهمات و یک دستگه خودرو حامل مهمات دشمن به آتش کشیده شد و منهدم گردید و باترزه تن از قوای کفر کشته شدند.

۶- حلیکویشای هواپیمایی نیروی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هواپیروز) با پشتیبانی بویخانه، مناطق البحار کوهستانی، اماراسرو جنوبی را زیر آتشی قرار داده و تلفات

بهمواضع... بقیه از صفحه ۱

# کارنامه امام‌ها سیاست خارجی لیبرال‌ها

### تشکیل هیئت بررسی «مسئله امام موسی صدر» در آستانه تجاوز نظامی طبعی!

در ۲۴ فروردین ۵۹، کفرانس کشرهای عضو جنبه پایدار (سوریه، لیبی، الجزایر، یمن دموکراتیک، و سازمان آزادی‌بخش فلسطین) در طرابلس گشایش یافت: در این اجلاس شرکت‌کنندگان بار دیگر به حمایت قاطع از انقلاب ایران پرداختند و «پشتیبانی همه جانبه دولت خود را از انقلاب مردم ایران و انقلاب دموکراتیک خلق افغانستان ابراز داشتند و تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای تحریم اقتصادی و مداخله نظامی علیه ایران را محکوم کردند. این واقعه بار دیگر چهره دوستان واقعی انقلاب ایران را می‌نمایاند. اما ناگهان درست در جریان برگزاری کفرانس، اعلام شد که هیئتی برای بررسی «مسئله امام موسی صدر» به لیبی می‌رود!

آیت‌الله منتظری، طی پیامی، در مخالفت با این عمل، همدرد و ماهیت هیئت را افشا کرد و گفت: «در شرایط حساسی قطع رابطه آمریکا با ایران از طرفی و تشکیل کفرانس برای سران کشورهای جنبه پایدار سوریه، الجزایر، لیبی، یمن و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در لیبی، به دست تصمیم در مقابل اسرائیل و رژیم دست نشانده سادات از طرف دیگر، مطرح کردن موضوع فوق، نتیجه‌های جزیره کردن روابط لیبی با ایران و بیجا کردن جنجال سیاسی نخواهد داشت و قهراً به نفع آمریکا جناح‌نیکار تمام خواهد شد...»

(۲۵ فروردین ۵۹، روزنامه‌ها) وزارت امور خارجه قطب‌زاده، که از هیچ کوششی در تیره‌کردن روابط ایران و لیبی خودداری نکرده بود، در قبال این توطئه علیه مصالح انقلاب ایران نیز دم بر نیاورد.

### یازهم «کفرانس اسلامی»!

امپریالیسم آمریکا، «حواصی‌ها و هلیکوپترهای خود را به ایران فرستاد و خشم مردم انقلابی و ضد امپریالیست ایران و جهان را نسبت به این اقدام تبارک‌گانه خود برانگیخت، امنا وزارت خارجه قطب‌زاده، که در تمام مدت تدارک این ماجراجویی خطرناک سکوت کرده بود، پس از تجاوز همسکوت خود را شکست، در عوض قطب‌زاده عازم «کفرانس اسلامی» دیگری شد که در واقع برای پوشاندن نقش آتش‌افروزان تجاوزگران امپریالیسم آمریکا، برپا شده بود.

چنانکه اظهارات اکثریت نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده در کفرانس و قطعنامه‌های مصوب در آن نشان دادند و همچنانکه انتظار میرفت در این کفرانس کوشش عمده در جهت برجسته‌کردن رویدادهای جمهوری دموکراتیک افغانستان و کمک نظامی محدود اتحاد شوروی به آن کشور بود، که به موجب قانونی دولت قانونی افغانستان بر اساس قرارداد بین دو کشور برای دفع ضدانقلاب خارجی انجام گرفته بود. همین منظر موجب گردید که جو عمومی حاکم بر کفرانس که منطقی‌ترین با پشت علمای امپریالیسم آمریکا باشد که با تدارکات جنگی و کوشش‌های حضور نظامی خود در منطقه و حضور نظامی نافرمان علیه جمهوری اسلامی ایران، امنیت و استقلال تمام کشورهای این منطقه و بویژه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با خطری جدی و واقعی تهدید میکرد، علیه افغانستان و اتحاد شوروی توجیه‌گر بود.

قطب‌زاده در کفرانس، زیسر پوشش مقاومت در برابر تهدیدات «بر قدرت‌ها»، دست اصلی حمله را متوجه اتحاد شوروی و دولت افغانستان کرد. علاوه بر این، وزیر پر پوشش هیئت زنده‌کننده ایران، «شازده» در «مبارزان» افغانی را، که همگی از سرسپردگان امپریالیسم آمریکا و از معوق‌الهای بزرگ افغانستان بودند، به کفرانس برد، و این در شرایطی بود که

### قطب‌زاده: «ما آمریکا را محکوم نمی‌کنیم»!

دراواخر اردیبهشت ۵۹، دو واقعه همزمان رخ داد که بار دیگر صفت بندی قاطع دوستان و دشمنان انقلاب ایران را نمایاند: نخستین واقعه، برگزاری کفرانس کشورهای عضو پیمان ورشو به مناسبت ۲۵ سالگی تشکیل این پیمان بود، که با شرکت سران کشورهای عضو پیمان در ورشو تشکیل گردید. این کفرانس، در جلسه‌تهائی خود، اعلامیه‌های منتشر و عملیات و در آن «تجاوز نظامی و عملیات خرابکارانه اخیر ایالات متحده آمریکا علیه ایران را با قاطعیت محکوم کرد و آنرا «بمعاذیک اقدام خشن مداخله‌آمیز داخلی ایران و نقض حق حاکمیت این کشور» توصیف کرد.

دومین واقعه، برگزاری کفرانس ۹ کشور عضو بازار مشترک در سطح وزیران امور خارجه بود، که در همان زمان (۲۷ اردیبهشت ۵۹) در نایس (ایتالیا) تشکیل شد و زیر فشار آمریکا خطوط کلی «مجازاتهائی اقتصادی علیه ایران» را تصویب کرد.

اما وزارت امور خارجه قطب‌زاده نسبت به این تهدیدات آشکار امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی آن بار دیگر سیاست سکوت در پیش گرفت.

بی‌تفاوتی وزارت امور خارجه قطب‌زاده در قبال مداخلات امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران، برخی دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت که، علیرغم تامل وزارت امور خارجه قطب‌زاده و کفرانس برای بررسی مداخلات و جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران تشکیل دهند، این کفرانس را فرمان امام خمینی به رئیس‌جمهور عوت گردید و صد هیئت نمایندگی از ۵۰ کشور جهان، از ۱۶ تا ۱۵ خردادماه ۵۹، طرح‌جلسات پرشوری به بررسی مداخلات و جنایات امپریالیسم آمریکا فرایران پرداخته و آنها را اذعان و محکوم کردند.

قطب‌زاده، که سعی در پی در روزنامه‌ها به دفاع از وابستگی امپریالیسم آمریکا، چون پاکستان و ترکیه

برخاسته می‌گفت: «باید گفت که کشورهای مسلمان و مستقل، همچون پاکستان و ترکیه، توسط آمریکا رهبری نمیشوند.»

(انقلاب اسلامی، اردیبهشت ۵۹) درصدد برآمد که بهر طریق که ممکن است، از اهمیت کفرانس، که هدف و حکومت آمریکا را تخفیف دهد.

وی در آغاز کفرانس گفت: «ما در این کفرانس آمریکا را محکوم نمی‌کنیم... این کفرانس نوعی تبادل نظرات است.»

(اطلاعات، ۱۳ خرداد ۵۹) قطب‌زاده درست در جریان برگزاری کفرانس، کمیته‌حل بحران افغانستان را، که، کفرانس کشورهای اسلامی تعیین کرده بود، با شرکت آقا-شاهی و حبیب‌شاهی در تهران تشکیل داد. این «حسن اتفاق» آقا-شاهی را آنچنان به وجد آورد که این «تقریر را به فال نیک گرفت.

(بامداد، ۱۴ خرداد ۵۹) قطب‌زاده پیش از تشکیل «کمیته

دولت پاکستان به سرمد افغانستان، چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ نظامی، کمیته و تصمیم گرفته شده که اگر روسیه برآمده خروپوز افغانستان را اعلام نکند، «مهم کمک نظامی به مسلمانان افغانستان را شروع کنیم.»

(انقلاب اسلامی، ۱۰ خرداد ۵۹) قطب‌زاده همچنین رزمی کلارک وزیر پیشین دادگستری آمریکا و جاسوس «سیا» را، که به قصد خرابکاری به «کفرانس بررسی جنایات و مداخلات آمریکا» آمده بود، فردی «انقلابی» خواند!

### با متحذان و دست‌نشانندگان آمریکا علیه آمریکا؟!

قطب‌زاده در اواخر خردادماه ۵۹ در آستانه توطئه کودتائی امپریالیسم آمریکا به اروپا رفت. وی در آلبو، با وزیر خارجه (نروژ) عضو ناتو) و با واسطه او، به ولسم برانت، متبرکل بین‌الملل سوسیالیستی یعنی مجمع دستیاران امپریالیسم و نیز با هوادان هواپوزی امر خارجه، چین گفتگو کرد. در اجلاس «بین‌الملل سوسیالیستی سخنرانی نمود و سپس به سوئد و پاریس رفت. قطب‌زاده در ۲۷ خردادماه ۵۹ طی یک مصاحبه مطبوعاتی، در مورد

مسافرت خود گفت: «ما (یعنی جمهوری اسلامی ایران) با این آقایان سوسیالیستها... دارای علائق مشترک هستیم که وجود این دشمن مشترک باعث میشود به یکدیگر نزدیکتر شویم و این دشمن مشترک همان آمریکا جهان‌خوار است.»

قطب‌زاده در تاریخ ۳۰ خرداد ماه ۵۹، کمیته‌کدائی «حل بحران افغانستان» را در ورشو تشکیل داد. دو نوکر دست نشانده آمریکا - کمیته شرکت کردند. رهبران «مبارزان» افغانی-سیس برای دیدن سادات و خالد - دو نوکر دست نشانده آمریکا - عازم مصر و عربستان سعودی شدند!

قطب‌زاده در ۹ تیر ماه ۵۹ در یک مصاحبه با روزنامه اطلاعات، به دفاع از اوضاع الحاق برتری طلبان یک برخواست اورد. حالیکه اعلام می‌کرد: «کمونیستها مرتجعترین اقدار در جهان هستند، شیفتهی خود را نسبت به «کمونیسم» نوع چینی پنهان‌نماخت و گفت: «ما باید روابط خودمان را با چین خیلی وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا چیزهای زیادی را می‌توانیم از آنها یاد بگیریم.»

قطب‌زاده کمی بهتر نیز گفته بود: «چرا پاکستان نوکر آمریکاست؟ یک دلیل قانع‌کننده تاکنون کسی برای اثبات این مسئله نداده... این اتهام که کلاچیه تبلیغاتی دارد، بسیار ناعادلانه و بیشرمانه است!»

تحلیل «های وزارت امور خارجه قطب‌زاده» می‌باشد. در این «تحلیل» ها آمده بود: «منافع ایران ایجاب میکند که به دو کشور ترکیه و پاکستان، که از سیاست دو ابر قدرت مستقل هستند (۱) نزدیک شود، تا از انفراد در منطقه بیرون آید. تنها دولت بزرگی که می‌تواند به ایران در برابر دوا بر قدرت کمک جدی بکند، چین است!»

(نقل از اسناد وزارت امور خارجه ایران، نامه «بوم» شماره ۲۷۶ مورخ ۶ تیر ۵۹) **قطب‌زاده: «سن برای آن آقایان (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام) اصالت و اهمیت قائل نیستم»!**

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عمل دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را تأیید کردند، و آنرا «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» نامیدند و بیشترین ارزش را برای آن قائل شدند. امام خمینی، در مورد دانشجویان گفتند: «دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند، ملت را سرفراز کردند. اما لیبرالها و از جمله قطب‌زاده از هیچ‌گونه توبیخ و هتاک نیست به این جوانان مبارز و دلیر مروج‌گذار نگردند. قطب‌زاده در زمانی که امام خمینی بیمار بودند و ظاهراً «پیرزنی» یعنی «زادکردن جاسوسان امریکایی» در یک قدمی وی قرار داشت، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را به باد حمله گرفت و گفت: «من معتقدم که کار آنها به سود انقلاب نبوده است و حرکات اخیر آنها انحراف از خط امام بوده و کاری به سود مبارزه علیه آمریکا انجام نداده‌اند!» (اطلاعات، ۲۲ اسفند ۵۸) وی همچنین گفت: «برای آن آقایانی که آنچنان هستند، اصالت و اهمیت قائل نیستم بنابراین تسلیم این بازیچه‌ها نخواهم شد و جواب همه آنها را هم خواهم داد... دانشجویان هم در این مورد دروغ گفته‌اند.» (اطلاعات، ۱۹ اسفند، ۵۸)

علت خشم و کین قطب‌زاده در دیگر لیبرالها علیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، واضح بود. آنها سیاست بازی لیبرال‌ها را امپریالیسم آمریکا را افشا کرده و بسا شکست مواجه ساخته بودند.

قطب‌زاده در اوایل تیرماه ۵۹، یعنی در آستانه کودتای نافرمان امپریالیسم آمریکا که هدف قتل عام میلیونها انسان را برای احیای سلطه امپریالیسم آمریکا بر کشور ما تعقیب می‌کرد، با زنجیرهای هشدار ساختن توده‌های مردم نسبت به عمق خطر، پرده بسر توطئه کشید.

او گفت: «آمریکاییها در دو ماه گذشته غیرعقلانانه انجام نداده‌اند و این یک موفقیت برای سیاست آمریکا است... اگر آنها دست به کارهای غیرعقلانانه دیگری نزنند، من خوش‌بین هستم و اعتقاد دارم این مسأله در کوتاه‌مدت زمان ممکن حل خواهد شد.» (انقلاب اسلامی، ۳۰ تیر ۵۹)

جعل خیر از قول سفیر آمریکا در اتحاد شوروی

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عمل دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را تأیید کردند، و آنرا «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» نامیدند و بیشترین ارزش را برای آن قائل شدند. امام خمینی، در مورد دانشجویان گفتند: «دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند، ملت را سرفراز کردند. اما لیبرالها و از جمله قطب‌زاده از هیچ‌گونه توبیخ و هتاک نیست به این جوانان مبارز و دلیر مروج‌گذار نگردند. قطب‌زاده در زمانی که امام خمینی بیمار بودند و ظاهراً «پیرزنی» یعنی «زادکردن جاسوسان امریکایی» در یک قدمی وی قرار داشت، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را به باد حمله گرفت و گفت: «من معتقدم که کار آنها به سود انقلاب نبوده است و حرکات اخیر آنها انحراف از خط امام بوده و کاری به سود مبارزه علیه آمریکا انجام نداده‌اند!» (اطلاعات، ۲۲ اسفند ۵۸)

وی همچنین گفت: «برای آن آقایانی که آنچنان هستند، اصالت و اهمیت قائل نیستم بنابراین تسلیم این بازیچه‌ها نخواهم شد و جواب همه آنها را هم خواهم داد... دانشجویان هم در این مورد دروغ گفته‌اند.» (اطلاعات، ۱۹ اسفند، ۵۸)

علت خشم و کین قطب‌زاده در دیگر لیبرالها علیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، واضح بود. آنها سیاست بازی لیبرال‌ها را امپریالیسم آمریکا را افشا کرده و بسا شکست مواجه ساخته بودند.

قطب‌زاده در اوایل تیرماه ۵۹، یعنی در آستانه کودتای نافرمان امپریالیسم آمریکا که هدف قتل عام میلیونها انسان را برای احیای سلطه امپریالیسم آمریکا بر کشور ما تعقیب می‌کرد، با زنجیرهای هشدار ساختن توده‌های مردم نسبت به عمق خطر، پرده بسر توطئه کشید.

او گفت: «آمریکاییها در دو ماه گذشته غیرعقلانانه انجام نداده‌اند و این یک موفقیت برای سیاست آمریکا است... اگر آنها دست به کارهای غیرعقلانانه دیگری نزنند، من خوش‌بین هستم و اعتقاد دارم این مسأله در کوتاه‌مدت زمان ممکن حل خواهد شد.» (انقلاب اسلامی، ۳۰ تیر ۵۹)

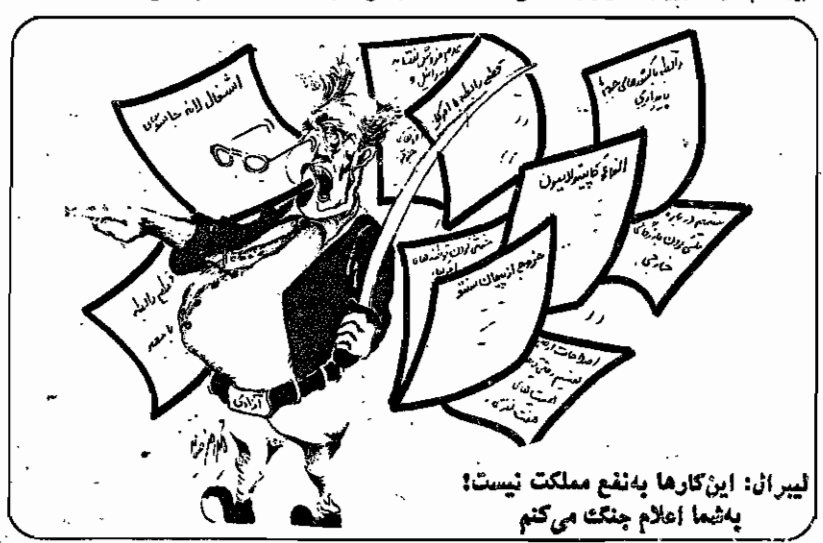
جعل خیر از قول سفیر آمریکا در اتحاد شوروی

در آستانه اجرای توطئه کودتایی ۱۸ تیر ۵۹، قطب‌زاده اعلام کرد که بر او: «سلم شده که توطئه‌های تنظیم برای اشغال سفارتخانه‌های ایران در خارج وجود دارد.» (روزنامه‌ها، ۱۴ تیر ۵۹)

او در ۱۲ تیرماه گفت: «... در ساعت ۲ بعد از ظهر امروز سفیر جمهوری اسلامی در شوروی تلفنی اطلاع داد که عده کثیری در جلوی سرکنسولگری ایران در ساکو تجمع کرده و قصد آتش‌زدن سرکنسولگری ایران را دارند.»

قطب‌زاده همین افزود که: «این عده مجاز به مواد آتش‌زا هستند» (روزنامه‌ها، ۱۳ تیر ۵۹) اما سپس معلوم شد که خبر جعلی بوده است:

... دکتر مکری در یک مصاحبه تلفنی گفت، وی شخصاً به همراه یک گروه چندصد نفری ایرانیان از میان خیابانهای ناکو به مسجد اصلی این شهر رفته‌اند. مکری گفت: آنها شعار الماکر و خمینی رهبر می‌دادند و سپس عده در مسجد: ع



لیبرال: این کارها به نفع مملکت نیست! پادشاه اعلام جنگ می‌کنم

کارگران موزائیک‌ساز:

ما حتماً در این جنگ پیروزمی شویم، به شرط اینکه باهم متحد باشیم

کارگران موزائیک‌ساز، گروهی دیگر از رنجبران مین ما هستند. صدها کارگر در چندین کارخانه موزائیک سازی تهران، جدیدین ساعت در روز، در یکی از سخت‌ترین شرایط مشغول به کار هستند. در هر کارخانه، بیش از ۵ کارگر کنار می‌کنند.

فضای کار در کارخانه‌های موزائیک‌سازی متفاوت است. بعضی از کارگاهها همان نمازخانه‌های مسول هستند، که کارفرما آنها را به کارگاه تبدیل کرده است و کارگران با سرو صرتی پوشیده از ذرات سیان و ماسه و پودر رنگی، در فضایی کوچک کار می‌کنند، و گاهی هم زیر زمینی تاریک و نمناک محل کار آنها است.

بعضی از کارخانه‌ها نیز در قطعه زمینی خاصی در فضای باز واقع شده‌اند و کارفرما چند دستگاه در آن قرارداد داده و آنها را به کارخانه تبدیل کرده است. سرپناه کارگران نیز چندتکه حلبی پوشیده، چوب شکسته و یا پارچه است.

صاحبان کارخانه‌ها، از کار کارگران خارجی و بویژه کارگران افغانی در کارخانه‌ها، پوئو، استقبال می‌کنند، زیرا آنها، در مقابل دستمزدی کم، حاضرند ساعات بیشتری کار کنند.

صاحبان کارخانه‌ها اغلب برای سود بیشتر بر روی هر دستگاه چند کارگر را به کار می‌گیرند. در حالی که معمولاً باید یک کارگر بر روی یک دستگاه کار کند. در نتیجه موزائیک بیشتری تولید می‌شود و کارگران دیگر کارخانه (ناری ساز و غیره) نیز مجبورند بیشتر کار کنند و در پایان کار، دیگر رفاهی برای کارگران باقی نمی‌ماند.

کارخانه اوزنگی یکی از دهها کارخانه موزائیک سازی در تهران است. در این کارخانه ۸ کارگر کار می‌کنند، که از آنها، ۳ نفر قالب زن، دو نفر "ناری" ساز و یک نفر سیل کار هستند. دو کارگر دیگر نیز به خالی کردن بار کامیون‌ها و حمل و نقل موزائیک‌ها اشتغال دارند. در کارخانه اوزنگی ۲ دستگاه برسی و یک دستگاه سیل وجود دارد، که تنها یکی از برسی‌ها در اطاعتی برادر دارد. با چندن کارگر کارخانه موزائیک سازی کارخانه به گفتو نشستیم. عبدالله ۲۳ سال دارد و اهل ماکو است. وی روی دستگاه برسی

کار می‌کند که درصای از قرارداد دارد و کارش فالبه‌زنی است. درباره کارش می‌گوید:

"من حدود هشت سال است که به این کار مشغولم و از ۷ صبح تا ساعت ۴ بعد از ظهر کار می‌کنم. از اول تا آخر کار، یکسره روی پا هستم. پس از ۸ تا ۹ ساعت کار سنگین در این هوای سرد و محیط نمنگ، آنچنان کمر، کتفها و پاهایم درد می‌گیرد که دیگر نمیتوانم هیچ کاری انجام دهم."

وی در حالی که با دست به سر پناهی، که چندتکه حلبی است، اشاره می‌کند، ادامه می‌دهد:

"در این فصل، کار من به علت سرما، به مراتب طاقت‌فرساتر میشود و وسیله‌ای که نیست که با آن خودم را گرم نگه دارم. سرپناه نیز، همان‌طور که می‌بینید، چند تکه حلبی است. من کثرتی کار می‌کنم و برای هر دانه موزائیک (بسته به نوع موزائیک) از سه تا ده ریال مزد می‌گیرم. این کار هیچ آخر و عاقبتی ندارد. اولاً، اگر یک روز کار نکنی، از پول هم خبری نیست. ثانیاً، کارگر پس از چند سال، به علت کم‌دردی و پادرد، دیگر قادر به کار کردن نیست، و از آنجا که ما کارگر رسمی نیستیم، حقوق بازنشستگی هم به ما نمی‌دهند. من اگر مجبور نبودم، این کار را، با این شرایط سخت، هرگز ادامه نمی‌دادم."

درباره خطرات ناشی از کار می‌گوید:

"پادرد و کم‌دردی خودش خطر جدی است، ولی گذشته از این، سمی‌های برفی این دستگاه همه زیر دست و پاهای ما هستند و گاه اتفاق می‌افتد که سمی‌ها تنهایی می‌کنند و من دچار برق‌گرفتگی می‌شوم و با ممکن است که بر اثر یک لحظه غفلت، قالب زیر پرس بترکد و قطعاتش به بدنم اصابت کند. همچنین به علت اینکه دستهایم روزی چندین ساعت داخل شن و سیان و ماسه است، موجب بیماری‌های پوستی می‌شود. در مورد سندیکا می‌گوید:

"کارگران موزائیک‌سازها متأسفانه از داشتن سندیکا محروم هستند. سندیکا حامی ما کارگران است مالم اگر سندیکا داشتیم، میتوانستیم حق خودمان را از کارفرماهای سودجو بگیریم. در مورد انقلاب می‌گوید:

"از انقلاب راضی هستم. در

زمان طاغوت کارفرماها با ما کارگران هرکاری که دلشان می‌خواست، می‌کردند و اگر ما شکایت می‌کردیم، آنها قوی‌تر رشوه می‌دادند و کار را به دشمن را داشته باشند، باید در بسیج شرکت کنند. من خودم مدت زیادی نیست از خدمت برکشته‌ام، و هر وقت لازم باشد، حاضرم به جنگ این صدام آمریکائی بروم. حالا هم بگویند برو جبهه، می‌روم. چند قدم آن طرفتر، حمید را می‌بینم که مشغول سیل دادن موزائیک‌هاست. سروصورتش سفید شده و از شدت سرما می‌لرزد، و هر چند دقیقه یکبار به وسیله‌ای که با تکه‌های چوب درست کرده است، خود را گرم می‌کند. حمید می‌گوید:

"من فکر می‌کنم بسیج نقش مهمی را در جنگ اخیر ایفا کرده است و همه مردم از زن و مرد، کارگر و کارمند، برای این که آمادگی مقابله با حملات دشمن را داشته باشند، باید در بسیج شرکت کنند. من خودم مدت زیادی نیست از خدمت برکشته‌ام، و هر وقت لازم باشد، حاضرم به جنگ این صدام آمریکائی بروم. حالا هم بگویند برو جبهه، می‌روم. چند قدم آن طرفتر، حمید را می‌بینم که مشغول سیل دادن موزائیک‌هاست. سروصورتش سفید شده و از شدت سرما می‌لرزد، و هر چند دقیقه یکبار به وسیله‌ای که با تکه‌های چوب درست کرده است، خود را گرم می‌کند. حمید می‌گوید:

"من ۵۳ سال دارم و حدود ۴۶ سال است که پای دستگاه سیل‌کاری تابستان‌ها عراق رفته‌ام و زمستان‌ها لریزیده‌ام. دستمزد هم روزی صد و پنجاه تومان است و از آنجا که نمی‌توانم خرج خانواده ۷ نفرام را تأمین کنم، یکی از پسرهایم را نیز آورده‌ام اینجا کار کند. شرایط کارها که خودتان می‌بینید، بدان سن و سال، با این روزی هشت، نه ساعت در این هوای سرد، سرپا بایستیم و موزائیک‌ها را سیل بدهم. هیچ‌گونه امکاناتی هم در اینجا برایمان فراهم نیست. در حالی که سرپناه پارچه‌ای را نشان می‌دهد، می‌گوید:

"این هم به اصطلاح سرپناه من است. چند متر پارچه، که وقتی باران می‌بارد، از اینطرف و آنطرفی آب می‌بارد. درباره بازنشستگی‌اش اظهار داشت:

"کارفرما می‌گوید، تو از این ۴۶ سال فقط ۲۸ سال آن را اینجا کار کرده‌ای، در نتیجه هنوز نمیتوانی از مزایای بازنشستگی استفاده کنی. من هم فعلاً به خاطر شرایط جنگی کشور و بخاطر این که به کار تویسه لطفه نخورد، این شرایط سخت کار را تحمل می‌کنم. درباره وضع زندگیش پس از انقلاب می‌گوید:

"بعد از انقلاب، وضع من چندان فرقی نکرده است، ولی با اینحال از انقلاب راضی هستم. چون این انقلاب را ما رنجبران می‌جوئیم آورده‌ایم و دولت هم می‌خواهد برای ما زحمتکاران کار کند. ولی شندانقلاب

بهره‌مند. کارفرما نیز به علت آنکه کارگران از اجزایست بیمه شدن خودم فرنگر کنند، آنها را هر دو ماه یکبار بمدت پنج روز از کار اخراج می‌کنند و دوباره رجه سرکار برمی‌گرداند. کارگران بیمانی، که از روستاهای اطراف هستند، هیچ‌گونه وسیله‌ای برای رفتن و آمد ندارند و مجبورند میزان قابل توجهی از دستمزدنا چیز خود را با بستن آباب و ودهساب بپردازند، اکثر این کارگران

برای آنکه این محارر احتمالی نشوند، شبها در روستای گسودگ در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرسای بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می‌برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه‌ها و کارگاهها، صرف نظر از تعداد شاغلان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران منتهی، کسب‌وکاری، ساختمانی و غیره را در برگیرد، تا کارگران شاغل در راه آهن

برای آنکه این محارر احتمالی نشوند، شبها در روستای گسودگ در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرسای بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می‌برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه‌ها و کارگاهها، صرف نظر از تعداد شاغلان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران منتهی، کسب‌وکاری، ساختمانی و غیره را در برگیرد، تا کارگران شاغل در راه آهن

برای آنکه این محارر احتمالی نشوند، شبها در روستای گسودگ در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرسای بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می‌برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه‌ها و کارگاهها، صرف نظر از تعداد شاغلان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران منتهی، کسب‌وکاری، ساختمانی و غیره را در برگیرد، تا کارگران شاغل در راه آهن

برای آنکه این محارر احتمالی نشوند، شبها در روستای گسودگ در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرسای بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می‌برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه‌ها و کارگاهها، صرف نظر از تعداد شاغلان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران منتهی، کسب‌وکاری، ساختمانی و غیره را در برگیرد، تا کارگران شاغل در راه آهن

کارگران موزائیک‌ساز، در هر روز کار، به اندازه یک عمر زجر می‌کشند. ساده‌ترین بیماری برای کارگران موزائیک‌ساز، درد پا و کمر است. باید برای این کارگران زمینه مناسب کار و زندگی را مهیا کرد.

و سرمایه‌دارها دائماً جلوی رانقلاب سنگ می‌اندازند. مثلاً همین جنگی که مزدوران صدامی به ما تحمیل کرده‌اند، برای نابود کردن انقلاب ماست، ولی ما حتماً در این جنگ پیروز خواهیم شد."

حمید کارگر زحمتکش کارخانه اوزنگی نیز مانند سایر زحمتکاران مینمان آمادگی خود را برای مقابله با تجاوزین صدام آمریکائی اعلام می‌کند و می‌گوید:

"من با این که دیگر پیر شده‌ام، ولی با اینحال همیشه آماده‌ام از انقلاب در مقابل آمریکا دفاع کنم. ما مراجعه به سایر کارگران، می‌بینم که آنها نیز وضعی کم‌وبیش مشابه بقیه دارند و خواهان رسیدگی به شرایط سخت کار خود هستند.

کارگاه‌های کوچک‌تر در شمس‌های مختلف دچار چنین اسامانی هستند. باید این ناسامانها را به سود کارگران و در جهت تأمین منافع آنها سامان یافت. اگر ضمانت اجرائی قانون کار، از سوی مقامات مسئول تضمین شود، می‌تواند تا حد بسیاری در حل مشکلات موثر باشد.

قانون کار باید تمام بویجات و کارخانه‌های دولتی و خصوصی، کوچک و بزرگ را در برگیرد. باید کارگران را از وسایل اجنبی و رفاهی و بهداشتی برخوردار کرد. در مورد بیمه‌های اجتماعی و مسله بازنشستگی باید تذکر شد که در بسیاری از کارگاههای کشور، کارگرانی با سابقه کار بیش از ۳۰ سال (که حتی گاه به پنجاه سال نیز می‌رسد) هستند و هنوز هم کار می‌کنند. با این حال از حقوق بازنشستگی محروم هستند.

"حمید"، کارگر این موزائیک‌سازی خودسومایست که باید به آن رسیدگی شود. حمید با ۴۶ سال سابقه کار هنوز بازنشسته نشده‌است و بهانه کارفرما اینست که وی تنها ۲۸ سال در این کارگاه کار کرده‌است! لزوم است برای جلوگیری از این سودجویی کارفرماها و فشاری‌اندازه به کارگران دسترجهای تهیه شود. در آن مدت کارکرد کارگران، چه در یک کارگاه و یا چند کارگاه و با یک یا چند شغل مختلف، با دداشت بود و طبق قانون کار و متناسب با نوع کار و ماطی شدن مدت کار لازم، سبب به بازنشستگی کارگران تصمیم‌گیری شود

از اخراج نیز کارگر باید این تضمین را داشته باشد که در جای دیگر استخدام خواهد شد. همچنین سرویس رفت و آمد کارگران نیز باید تأمین شود. مسیر رفت و آمد این کارگران نیز باید تأمین شود. مسیر رفت و آمد این کارگران نیز باید تأمین شود. مسیر رفت و آمد این کارگران نیز باید تأمین شود. مسیر رفت و آمد این کارگران نیز باید تأمین شود.

شرایط کار و زندگی کارگران روزمزد راه آهن فیروزکوه باید مورد رسیدگی قرار گیرد

شرایط کار و زندگی کارگران روزمزد راه آهن فیروزکوه اسفبار است. این کارگران با شرایط مشکل کار، از هیچ‌گونه امکانات رفاهی برخوردار نیستند و با دستمزد کم، حتی قادر به تأمین حداقل زندگی خود نیستند. در مسیر خط آهن فیروزکوه - گسودک ۵۵ کارگر کنار می‌کشند، که ۳۰ نفر آنها رسمی و ۲۵ نفر بیمانی هستند. دستمزد کارگران رسمی بین سه هزار تا پنج هزار تومان متغیر است. اما مسئله بزرگ برای کارگران بیمانی است. این کارگران ماهانه حدود ۱۷۷۵ تومان دستمزد می‌گیرند، ولی علی‌رغم این دستمزد بزرگ، و دیگر حقوق قانونی این

برای آنکه این محارر احتمالی نشوند، شبها در روستای گسودگ در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرسای بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می‌برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه‌ها و کارگاهها، صرف نظر از تعداد شاغلان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران منتهی، کسب‌وکاری، ساختمانی و غیره را در برگیرد، تا کارگران شاغل در راه آهن

برای آنکه این محارر احتمالی نشوند، شبها در روستای گسودگ در شرایط بسیار نا راحت و طاقت فرسای بدون دسترسی به امکانات و دور از خانواده بسر می‌برند. آنچه مسلم است قانون کار باید شامل کلیه کارگران کارخانه‌ها و کارگاهها، صرف نظر از تعداد شاغلان کارگاه و کارخانه شود، و همه کارگران، ام از کارگران منتهی، کسب‌وکاری، ساختمانی و غیره را در برگیرد، تا کارگران شاغل در راه آهن

# انجام اقدامات بنیادی بسود زحمتکشان روستا، یکی از راههای عقیم‌گذاشتن توطنه‌های پلید آمریکاست

## روستایی زحمتکش: «صدام بکمک آمریکا به نجات اربابها آمده است»



آسیابان روستا از نیون سوخت شکایت دارد. آسیاب در حال خوابیدن است.

### روستای آبی سفلای منطقه قیادان زنجان

در دهه بی‌وجود آمده چه خوب است که با کمک جها دسا زندگی دیگر ارگانهای مشول و بکمک خودمان ما صاحب حمام شویم. زمان روستا ضمن تحمل بار سنگین خانه‌داری، دامداری و کشت و زرع، اوقات فراغت را، همراه با دختران کوچک خود به بافتن قالیچه می‌گذرانند. روستا دارای یک دبستان است. اما تمام دختران از تحصیل محرومند. آنها مجبورند به خانواده‌شان کمک کنند. براتصلی بدستی‌ها هیت پلید: صدام جنگ تجا و زکارانه وی علیه ایران انقلابی را افشا میکند. براتصلی وقتی که میگوید:

«صدام به کمک آمریکا به نجات اربابها آمده است»

خوبی رابطه محکم میان زمینداران بزرگ ظالم و آمریکا را بیان می‌کند. و ما هم اکنون می‌بینیم که عمین زمینداران چپا و لگر چگونه با تمام وجود برای بشمر ساندن توطنه تازه آمریکا تلاش میکنند. تمام آرزوی زمینداران بزرگ حقوق توطنه جدید آمریکا و آزادی جمهوری اسلامی ایران است. ولی آنها این آرزو را بگور خواهند برداگر: هیئت های هفت نفری، بدون آندک تامل و نوسیدی و تردید، فاندک اطلاعات ارضی را بسود دهقانان نپیدست و محروم به اجرا درآورند حق را به حقدار برسانند. اگر دولت و تمام سازمانهای وابسته به آن، با تمام وجود، وسایل کار این کشاورزان، از قبیل تراکتور، کود، بذرو غیره را فراهم آورند، اگر با نوسازی روستاها، وسایل رفاه این ستمکشیدگان تا مین شود. دیداری از روستاهای آبی سفلای روستا، با دیدن این بیفقت بسیار مهم را بربراق قرار میدهد که درجا معناه انقلابی ما زمان با بدبختی، درد و شایسته باشد. در هیچ روستایی در شان انقلاب ما نیست که زنان و محنت ستم مغضاب سر بردند و همون سرده و بنده در نظر گرفته شوند. زنان ناسد از مواهب انقلاب و نعمات زندگی بطور کامل برخوردار گردند. آنها زهمه امکانات از آنجمله از امکان تحصیل بهره‌مند گردند. جا دارد که نهایه انقلابی، از طریق برپایی جلسات سخنرانی و آموزش در روستاها و ارتقاء سطح آگاهی روستائیان سب به مقام والای زره، زمینه را برای بهره‌وری از این امکانات فراهم آورند. این سودانقلاب و شایسته آن است.

روستای آبی سفلای که در میان روستایان به "آو" معروف است، ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی بخش خدا بنده "قیادان" زنجان واقع است. این روستا ۳۵ خانوار را در برمی‌گیرد که از این تعداد ۷۰ خانوار آن خوش نشین هستند. اینها اکثرا در ده و منطقه سرگردانند. آنها اغلب برای دهقانان شروتمند و میانه‌حال کار می‌کنند و نیز برای دست‌یابی به کارهای شهرها میشوند. مشکل اساسی روستائیان زحمتکش زمین است. یکی از روستائیان در این مورد می‌گوید:

«اگر یک هکتار زمین مزروعی داشته باشم، به یکسری چیزی نمی‌خواهم مجبور شوم بودم که برای یافتن کار در روستا و اطراف منطقه سرگردان باشم. روستائیان دا و طلبانه بیین از یک خورار نان سب، به زمینی نگندم و... به جبه جنگ آرسال داشته‌اند. بیش از ۵۰ نفر از جوانان روستا آماده عزیمت به جبهه جنگ با مجاوران صدامی هستند. قبلا بسنج مستضعفین برای آموزش نظامی به روستا آمده است. خسود روستائیان نیز در مرکز بخش بارها در این آموزش شرکت کرده‌اند. چندتن از جوانان روستا در سیاه پاسداران، از انقلاب بزرگ ضدستکبران پاساداری میکنند. براتصلی دهقان خوش نشین، مفیده دارد:

«صدام به کمک آمریکا به نجات اربابها آمده است»

همه بدبختی‌های ما از (بویوی) شیطانان (ده) شیطان بزرگ است. یکی از دهقانان تهیدست می‌گفت:

«صدام به کمک آمریکا به نجات اربابها آمده است»

در روستای آبی سفلای بهمت جها دسا زندگی بپول‌کشی تکمیل مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. تیرهای برق روستا نیز توسط جهاد نصب گزیده‌اند. اهالی از مقامات مشول میخواهند که هر چه زودتر این کار نیمه‌تمام را به اتمام برسانند. آسیاب روستا به علت فندان و گرانی سوخت در حال ازکار افتاد است. آسیابان می‌گوید:

«البتی سهرمه گازوشیل دارم، اما آن را باید در مرکز بخش تحویل بگیرم و هزینه حمل آن به روستا بسیار گرانتر از خود سوخت تمام میشود.»

بدین خاطر، روستائیان مجبورند برای آرد کردن گندم و تهیه خوراک دیگر نقاط بیرون و متمم مخارج اضافی گردند. حمام روستا قدیمی، غیر بهداشتی و دارای هزینه است. در روستا چه بسیار کودکانی که به امراض یوستی، بخصوی کلی گرفتار هستند. روستائیان می‌گویند:

«حالا که آب لوله‌کشی

یکی دیگر از اهالی روستا در مورد جنگ می‌گوید:

«آنها به ما ظلم کرده‌اند، من حاضرم به جنگ بروم. آمریکا و اسرائیل به عراق کمک می‌کنند، ما هم تنها نیستیم. کشورهای سوریه، الجزایر، فلسطین، لیبی و سایر ممالک دوست به ما کمک می‌کنند.»

روستای با ارفلاق فاقد مدرسه و حمام است. روستائیان از تمام امکانات رفاهی محروم هستند. کودکان برای تحصیل باید به روستای سید کندی بروند. البته تعداد دانش‌آموزان کم و تحصیل برای آنان دشوار است. یکی از جوانان روستا بنام هدایت منصوری در مورد علت بی‌بودن خود می‌گوید:

«دورس نمی‌خوانم، چون در زمانی که کودک بودم، پدرم مرد و نتوانستم به مدرسه بروم. اراضی روستا به صورت دیمی کشت میشود. در روستا تنها سه دستگاه تراکتور وجود دارد که در مالکیت خصوصی اشخاص است. روستا فاقد آب جهت آبیاری اراضی است. آب آشامیدنی اهالی از فاصله دو کیلومتری و توسط چهار ربابه تا مین میشود.»

روستاهای با ارفلاق و اوجاق قشلاق و واقع در دشت مغان است. که دارای اراضی مزروعی گسترده است. دیگر نیاید اجاره داد که مالکیت‌های بزرگ ارضی بناحق وسیله‌ای برای چپاول و غارت و توطنه بزرگ مالکان و دیگر بهره‌کشان باشد. دهقانان زحمتکش شور و عطف فراوانی بر این تولید بیشتر و بیشتر رسیدن به خودکفایی و استقلال کشور دارند. در حالی که چپا و لگران شهر و روستا سید در برابر تجلی این شور و علاقه هستند. هیئت های هفت نفری می‌توانند و باید وسیله موثری برای گسترش این شور و علاقه در تحقق آرزوها و امیدهای دهقانان باشند. هیئت‌ها هیئت نفری باید با سرعت و دقت کامل با تمام اطلاعات ارضی را بسود دهقانان تهیدست به اجرا در آورند. هیئت‌های هفت نفری برای ترخیص ترشدن کارخان سما، اجازه نخواهند داد که افراد غیرانقلابی و مخالف مصالح روستائیان زحمتکش، میان آنان نفوذ کنند. آنها از یک سوی جلوی هرگونه سازش و گذش به بزرگ مالک را خواهند گرفت و از سوی دیگر مانع هرگونه تندروی و تحریک که احتمالا به نارضی کسودن دهقانان خرده‌ها منجر شود، خواهند شد.

همزمان با اجرائی قانون، باید زمینه برای فعالیت‌های تولیدی روستائیان انقلابی و امکانات تعاونی و هم‌پاری فراهم آید. واگذاری زمین به صورت مشاع، بگه زمینه همکاری و ایجاد تعاونی تولید فراهم میکند. بسیار مفید و ضرور است و به حل مسئله آب و جاده و وسایل کشت و زرع نیز کمک میکند. انجام اقدامات لازم در جهت تا مین منافع زحمتکشان روستا، خود یکی از راههای عقیم‌گذاشتن توطنه‌های پلید آمریکاست.

دارد. البته یک باب مدرسه در دست ساختمان است که امید است مسئولین امر در این زمینه سرعت عمل به خرج دهند. مدعا سوادان در میان جوانان بسیار نازل است. اهالی اغلب بخاطر دوری از مرکز شهر و نبودن مدرسه و عدم توانایی مالی، از تحصیل محرومند.

یکی دیگر از مظاهر شور، ارتبه رژیم گذشته این است که زنان و کودکان از حقوق اولیه محروم هستند. در هر خانه یک دستگاه قالی‌بافی وجود دارد که زنان و کودکان، علاوه بر کشت و زرع و دامداری و خانه‌داری به آن نیز می‌پردازند. در روستای اوجاق قشلاق از آب لوله‌کشی و برق خیبری نیست. تنها منبع تامین آب روستا قناتی است که آن آب مورداستفاده انسانها و دامها و اراضی (که البته ۷ هکتار بیشتر را آبیاری نمی‌کند) قرار می‌گیرد. قنات مذکور در سابق دارای آب فراوان بود. زمین توانست به ۱۵۰ هکتار زمین آبی برساند، ولی اکنون خطر خشک شدن آنرا تهدید می‌کند. تمام اراضی به صورت دیم کاشته میشوند. عمده محصولات روستا گندم و جو و کشت بهاره نیز نمود است.

روستای آبی سفلای که در دهه‌ها و دهه‌های گذشته تمام دردها و بدبختیهای روستائیان زحمتکش در روستا ۷۰ خانوار زندگی می‌کنند که از این میان ۳۰ خانوار کم‌زمین و بی‌زمین هستند. روستائیان تهیدست روستا مدتهاست که چشم انتظار زمیندار شدن هستند. هیئت هفت نفری تاکنون چندین بار اوجاق قشلاق آمده و تحقیقاتی هم انجام داده، لیکن قانون املاجات ارضی هنوز اجرا نشده است.

روستائیان تهیدست تلذ بحال دوبار به هیئت هفت نفری نامه نوشته و خوابتار سیدگی نوری به این مسئله شده‌اند. افرادی که در اراضی وسیع هستند، کارهای هیئت اخلاص میکنند. آنها حتی در میان خود روستائیان دست به تفرقه می‌زنند و از مشکل روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین جلوگیری میکنند.

از سویی دیگر بنظر میرسد که برخی از افرادی که در خط امام پیوستند و در هیئت‌های هفت نفری نفوذ کرده‌اند، به کار هیئت‌ها لطفاً جدی وارد آورده‌اند. تمفیه و تزکیه نهایه انقلابی که امام خمینی بر اربابان تأکید کرده‌اند، بار دیگر اهمیت خود را نشان میدهد. زیرا تقریباً در سراسر کشور هیئت‌های هفت نفری مرتکب از جوانان متعهد و مشول با جان و دل در خدمت انقلاب و روستائیان زحمتکش قسرا کرده‌اند و بسیار اشتناشی و نادر است که هیئت‌ها اجازه نفوذ افراد ناباب و سازشکار را داده باشند.

در روستای اوجاق قشلاق هفت دستگاه تراکتور وجود دارد که در مالکیت خصوصی اشخاص است. تراکتورها علاوه بر کارهای کشت و زرع به کار حمل و نقل نیز می‌یابند. برپا در فصل بارندگی تنها وسیله تراکتور می‌تواند در جاده‌های منطقه رفت و آمد کرد.

روستا فاقد حمام و فاصله آن تا شهر هم زیبا است. لذا استخدام برای روستائیان به صورت مشکلی در آمده است. مسجد از یک چهار دیواری گلی درست شده، که در حال پریز است. مدرسه روستا مخروبه‌ای است که ۴۰ نفری حاصل دختر و پسر و ۲ نفر معلم

منطقه خروسلو در حدود ۳۰ روستا را در برمی‌گیرد. که همه آنها از ایلات شاهسون هستند که تخف‌قاو شده‌اند. اهالی کار زراعت را همراه با دامداری انجام میدهند. خاک بزیار و مغان و بوهای آن برای دامداری و زراعت غله بسیار مناسب است. لیکن تسلط زمینداران بزرگ بر منطقه توأم با سیاست‌مدار، دهقانی و فکشاوری رژیم وارگون شده پهلوی، موجب شد که روستائیان در کمال فقر و محرومیت بسر برند، و فقط وسیله‌ای برای غارت و چپاول جوانین و سلف‌خرا باشند. برای آشنایی بیشتر با منطقه، به وضع دور روستا نوری می‌افکنیم:

روستای اوجاق قشلاق در دهه‌های سیز و خرم قرار دارد که در زیبائی آن گوئی پوششی است بر روی تمام دردها و بدبختیهای روستائیان زحمتکش در روستا ۷۰ خانوار زندگی می‌کنند که از این میان ۳۰ خانوار کم‌زمین و بی‌زمین هستند. روستائیان تهیدست روستا مدتهاست که چشم انتظار زمیندار شدن هستند. هیئت هفت نفری تاکنون چندین بار اوجاق قشلاق آمده و تحقیقاتی هم انجام داده، لیکن قانون املاجات ارضی هنوز اجرا نشده است.

# جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر در راه پیشرفت

از استقلال ملی الجزایر در ۱۴ تیر ۱۳۴۱ نزدیک به دو دهه می‌گذرد. "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" در این دوران کوتاه تاریخی در راه تحولات شرقی خویش به دستاورد های چشمگیری دست یافته است. بهرین انقلابی - دمکراتیک الجزایر - چنان که اسامی کنگره های "جبهه آزادی بخش ملی" (در طرابلس ۱۳۴۱) و الجزیره (۱۳۴۳) گواهی می‌دهند - بلافاصله پس از پیروزی، به اقدامات قاطعانه برای تحکیم استقلال ملی و جبرگی سرویات شوم وابستگی و واپس ماندگی اقتصادی دست زد. یکی از مهم ترین این اقدامات، ملی کردن شرکت های خارجی و ایجاد پایگاه اقتصادی مستحکم سرمایه بخش دولتی بود.

آموزش همگانی، مبارزه با بیسوادی و بهداشتی و بهزیستی مایل گردید. برای نمونه، در الجزایر آموزش نه ساله، اجباری و رایگان است. اکنون، کوشش به عمل می‌آید که زبان عربی به عنوان زبان ملی، جایگزین فرانسه شود. چهارمین کنگره "جبهه آزادی بخش ملی" در زمستان سال ۱۳۵۸ به بررسی انتقاد آمیز تحولات هیجده ساله الجزایر پرداخت و بخشی کنگره را درباره مسائل بنیادی که الجزایر در سال های ۸۰ با آنها مواجه خواهد بود، آغاز نهاد. کنگره ۱۳۵۸ مبنی سیاسی منشور ملی الجزایر (۱۳۵۵) را بازنگری تأیید کرد. این سند، در واقع، مشابه برنامه ترازوی الجزایری ضد امپریالیستی و شرقی زیرمهری "جبهه آزادی بخش ملی" است. این بخش، بیش از همه، دو مسئله مهم استراتژیک را در بر می‌گیرد: (۱) استقرار تعادل و تناسب اقتصادی، به منظره، مقابله با مسائل

مردم اجتماعی، مانند آفرینش محل کار و آموزش، تأمین دور رس نیازمندان - برای مردم در زمینه ارزاق عمومی و حل مسئله کمبود مسکن. (۲) تحکیم و تأمین نقش "جبهه آزادی بخش ملی" به عنوان "حزب پیشاهنگ خلق الجزایر" و الهام بخش تحول سیاسی و اجتماعی الجزایر. آزمون های گوناگون ضرورت تشکیل و همبستگی نیروهای شرقی را برای رهبری کارآیی خلق و مقابله با تهاجمات ضد انقلاب هر چه بیشتر ثابت می‌کند.

بزرگداشت شاذلی بن جدید، دبیرکل "جبهه آزادی بخش ملی" در سخنرانی که در تاسیستان اسامیل در کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" کرد، گفت:

"بگوئیم تا حزب پیشاهنگ ما، "جبهه آزادی بخش ملی"، در خط ایدئولوژیکی تحکیم یابد، که "منشور ملی" برای ما ترسیم کرد. این نقش و نقشه یقیناً پاسداری از انقلاب و هدف های این است که برای پیشبرد آن ها می‌رویم". شاذلی بن جدید، در این کنگره با طرح شعار "شغل مناسب را، به فرد مناسب بسپاریم"، مسئله کادر انقلابی و کارآیی ساختار حزب را به مباحثه گذاشت.

کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" در آئین نامه "جبهه" برخی تغییرات وارد ساخت که هدف آنها بهبود کار حزب در میان بوده مردم بود. از جمله تصمیم گرفته شد که در کارخانه ها سلول های حزبی ایجاد گردد. فزون بر این، شماره، اعضای هیئت سیاسی از ۱۷ به ۷ تقلیل یافت.

چندی پیش برنامه پنجساله (۱۳۶۳ - ۱۳۵۹) الجزایر به تصویب رسید. کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" اولویت های این برنامه را به ترتیب زیر تعیین کرده بود:

بهره برداری بهتر از ظرفیت تولیدی موجود (تکمیل سیستم برنامه ریزی و مدیریت)،

## دانستیهای چند درباره

### «جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر»

نام رسمی: جمهوری الجزایر  
ساحت: ۲۳۸۱۷۲۱ کیلومتر مربع  
جمعیت: ۱۹۱۳۰۰۰۰ نفر (۱۳۵۸)  
پایتخت: الجزیره (۲۱۵۰۰۰ نفر)  
زبان های رسمی: عربی و فرانسه  
حزب و سازمان ها: "جبهه آزادی بخش ملی"، "اتحادیه ملی جوانان الجزایر"، "فدراسیون عمومی رزستگن الجزایر"، "اتحادیه ملی دهقانان".  
پول: دینار، ۱ دینار = ۱۰۰ سنتیم  
منابع طبیعی: نفت، گاز، مس، آهن، ذغال سنگ، سرب، مس، ولفرام، منگنز، نیکل، اوران، جیوه.  
تولید سالانه نفت: در حدود ۵۵ میلیون تن  
تولید سالانه گاز: ۱۵ میلیارد مترمکعب  
سهم صنعت در فراورده ناویژه اجتماعی: در حدود ۴۰ درصد  
سهم کشاورزی در فراورده ناویژه اجتماعی: در حدود ۵ درصد  
مهم ترین فراورده های کشاورزی: گندم، جو، سیب زمینی، سبزی، انگور  
دامپروری: گوسفند، گاو، اسب



الجزایر در حین غرمندها مقامی تابع را حائز است. اظهارات سیاستمداران الجزایر حاکی از آنست که آنها نیز ارواح مستزاد بین المللی، که سیاست زبانی روحی ارتجاعی ترین محاسبات امپریالیستی صفت است، مس نکارند. آنها بویژه ضرورت حل مسأله تأمین اختلافات و مقابله با کوشش امپریالیست ها را در راه ایجاد پایه های نظامی جدید، ارجحه. در آفریقا و اقیانوس هند یادآور شده اند. الجزایر فاعلان برای تقویت "جبهه پایداری" و تحکیم همبستگی میان کشورهای عرب، در فبال "رهافت های امپریالیستی، چون "کپی دویید" برای مسئله خاورمیانه، می‌زند.

از دیگر اولویتهای سیاست خارجی الجزایر، حل مسأله تأمین مسئله صحرای غربی و آفریقای شمالی جدید اقتصاد بین المللی است. الجزایر در چارچوب سازمان های بین المللی و در مساعیات دو جانبه خود هواردر راه تأمین صلح و تقویت جبهه استروهای شرقی جهان کوشا بوده است.

دوستی با جامعه کشورهای سوسیالیستی، که چه در دوران مبارزه دیزینه خلق الجزایر علیه اعمارگران فرانسوی و چه در روند بارزای این کشور پس از پیروزی، از هیچ گونه کتکی به مردم الجزایر دریغ نوزوده اند، یکی از ارکان عمده سیاست خارجی "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" را تشکیل می‌دهد.

تقویت قابل ملاحظه بخش کشاورزی، بویژه رشته های تولید مواد چرمی،

توسعه اقتصاد آب برای تأمین بهترین نیازمندی های صنعت، کشاورزی و کسب،

بهبود خدمات اجتماعی برای پیشبرد هر چه بهتر روابط فوق الذکر،

گسترش نظام آموزشی و استفاده هر چه بیشتر از کادری الجزایری،

گذاری های آغاز شده یکی دیگر از مسائلی که در کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" مورد بحث قرارگرفت، توسعه بازگانی خارجی الجزایر با هر چه بیشتر از کشورهای جهان است. چه اکنون بیش از ۹۰ درصد بازگانی خارجی الجزایر با کشورهای امپریالیستی صورت می‌گیرد و میهن دوستان الجزایر در این پدیده، نه حق، خطر بزرگی برای استقلال ملی کشور خود می‌بینند. از اینرو، کنگره فوق العاده "جبهه آزادی بخش ملی" در قطعنامه های تصمیم گرفته که الجزایر در راه گسترش مناسبات بازگانی خود، بویژه با کشورهای رشیاننده و سوسیالیستی، کوشا باشد.

سیاست خارجی "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر"، از آغاز پایه گذاری آن، بر پایه "تحکیم استقلال ملی این کشور، نقش فعال در پیکار برای صلح و پیشرفت، اجتماعی، علیه استعمار، نواستعمار و امپریالیسم استوار بوده است،

ملت به دید و در غیر این صورت ملت با شما همان رفتار را خواهد کرد که با شما رفتار کرد." (اطلاعات، ۴ مرداد ۱۳۵۹)

قطب زاده در مجلس حاضر شد و بجای پاسخ به دشنامگویی و افترا زنی به حزب توده، ایران پرداخت تا به رئیس مجلس، پاسخ های وی را عیبر مقنع خواند.

اما متاسفانه قطب زاده همچنان در رأس وزارت امور خارجه باقی ماند و در نتیجه، در حالی که امپریالیسم آمریکا با تمام قوا تدارک توطئه دیگری را می‌دید، وزارت امور خارجه قطب زاده به انحراف افکار مردم و تیره ساختن روابط جمهوری اسلامی ایران با دوستان و اقربان ادامه داد.

قطب زاده در اوایل مرداد ماه ۵۹ نام "عبدالرحمن" و سرایا دشنام افترای به وزارت امور خارجه، اتحاد شوروی تسلیم کرد که در روز قبل از انتشار در جراید ایران، در روزنامه "واشنگتن ستار" آمریکا چاپ و تفسیر شده بود.

قطب زاده در اوایل وزارتت، تمام تلاش و فعالیت خود را جهت افترازی به حزب توده، ایران و اتحاد شوروی متمرکز ساخت، وی در ۲۴ مرداد ۵۹ اعلام کرد که "روزنامه مردم در سفارت شوروی چاپ و منتشر می‌شود" و کمی بعد، در مصاحبه با مجله "آمریکایی" "تایم"، ضمن آنکه آقایی

می‌زنند، جز خوردن و خوراک و چیز تقویح و فحشاء چیزی در آن نیست - این در واقع کارنامه، اساس خارجی صادق قطب زاده و سایر لیبرالها بود که نزاری مختصر سردارد قطب زاده پس از رونق شنید امپریالیسم آمریکا، از ورطه آسیر خارجه، ایران سرگاز شد و در مسکن این پست مهم و حساس از دست لیبرالهای سازشکار بیرون رهد. هر چند هنوز ورور امور خارجه ای سرای، این پست مهم و حساس انتخاب شده است، اما دیگر لیبرالها سواستند ما سو استفاده از این پست، آن را به وسیله برای تیره کردن روابط جمهوری اسلامی ایران با دوستان متحدان، به وسیله برای ساروش دشمنان و مخالفان تبدیل کنند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، کمی بعد برای تحکیم پیوندهای دوستی میان جمهوری اسلامی ایران و دوستان متحدان، که به کوشش ۱۸ ماهه لیبرالها هست گشته بود، عازم کشور های عضو جبهه پایداری شد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در ارتگت از سفر به کشورهای سوری، لیبی، الجزایر، و نشان اعلام کرد که دسای جدیدی را کشف کرده است. اس دنیایی بود که اثرش نسبت خارجی لیبرالها کشف شده بود.

شوروی گفته بود، "من از به تیرگی گذاشتن روابط (ایران و شوروی) چیزی نمی بینم - (مصاحبه روابط همان بوده که هست، ۲۰ مرداد ۵۹) سطورانی، یکماه بعد از نوشته شدن نامه قطب زاده به مجلس شورای اسلامی، ششم ششم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمد و ارتش جاپنگار صدام حسین به خاک ایران تجاوز کرد."

## دنیای جدیدی که لیبرالها مانع کشف آن شده بودند

امام خمینی، در ۳۰ تیرماه ۵۹، در سخنان درد آلودی، گفتند: "وزارتخانه های الان هیچکدام یک وزارتخانه صحیح نیست، هر روز تقریباً از خارج به ما اطلاع می دهند که سفارتخانه کجا چه جور است، سفارت خانه کجا اموال ایران در سفارتخانه ها وجود دارد... باید یک هیئتی از طرف مجلس تعیین شود، از اشخاص قاطع، راه بیفتد دور مالی که سفارتخانه داریم، سفارتخانه ها را اصلاح کنند. این اشخاص سازمانها و کنار بگذارند که سفارتخانه یک سفارتخانه انسانی شود. سفارتخانه ها حالا در هر جا که دست روی آن می گذارند، فاسد است، هر جا که دست

# بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان در باره «کنفرانس اسلامی»

وزارت خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، در ارتباط با تشکیل «کنفرانس اسلامی» در مکه، بیانیه ای منتشر کرد. در این بیانیه آمده است:

«کنفرانس قریب الوقوع اسلامی» در دورهای بی حساس و متشنج در جهان اسلام و منطقه خاور نزدیک برگزار می شود و در زمانی که امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا و صیوبیسیم تجاوزات خود را شدت داده اند و مسلح می کنند و سراسر جهان را تهدید می کنند، بدین دلیل است که به عقیده دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان، کشورهای جهان اسلام باید توجه خود را به یافتن راهی برای حل و فصل مشترکین حادثه ترین مسائل این کشورها، مسائلی که پیادهای تجاوز اسرائیل و اشغال سرزمین های عربی و قراردادهای چند جانبه، سر اسرائیل و آمریکا، تسلط سازماندهی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی باید تجاوز مسلحانه امپریالیسم آمریکا و دیگر اشکال فشار بر کشورهای عربی برادر را محکوم کنند و خواستار خروج فوری نیروهای دریایی آمریکا از خلیج فارس، انحلال پایگاه های نظامی در منطقه و پایان دادن به نفوذ نظامی خارجی در خاور نزدیک و میانه شوند.

بیانیه سپس می افزاید:

«یکی از حساس ترین مسائل، جستجو برای یافتن راهی جدید در زمینه تامین حقوق انکارناپذیر خلق عرب فلسطین، از جمله حق این ملت در ایجاد یک کشور مستقل و آزادی بیت القلمس و بیچروخ مخالفت، نداشتند. آنان تنها با استبداد آمریسری که عرصه فعالیت سیاسی و اقتصادی را بر بورژوازی لیبرال تنگ کرده بود، مخالف بودند، و چون «آزادیسری» گریخت، دلتان می خواست خود قدر قدرت همن بساط غارت و واپستگی باشند. گوئی همه دعواها بر سر آن بود که شاه برود و لیبرال ها بیایند، اما دستگاه فاسد و خائن و امپریالیسم زده طاغوت، بر سرچی خود باقی ماند و به شیوه گذشته عمل کرد.

این موضعگیری شده مردمی لیبرال ها، همچنان مورد اعتراض مردم بود و بود، با اعتراضهای انبساطی، لیبرال ها از آزادی، قدرت بریز کشید، با کنار آمدن لیبرال ها، مسئله پاکسازی دستگاه دولتی، نیروهای مسلح و بخش خصوصی بعنوان منتهای حد در دستور کار قرار گرفت و هیئت های پاکسازی در وزارتخانه ها و ازبستی و غیره کار خود را آغاز کردند.

متأسفانه در بسیاری موارد نه انتخاب هیئت های پاکسازی بر سر شوابی درست استوار بود و نه عمل هیئت های پاکسازی، عناصر ضد انقلابی، افرادی که خود باید پاکسازی می شدند و عناصری - صلاحیت و مصالح توانستند خود را در ترکیب هیئت های پاکسازی جایزند و مرتکب اقداماتی شوند که در واقع انحراف پاکسازی از مسیر صحیح انقلابی بود. رخنه این افراد در هیئت های پاکسازی موجود شد که در بسیاری از موارد، محرمانه و خلیان بر سر مشاغل خود باقی میمانند و گاه

فصل مسائل از طریق صلح آمیز، به بیانیه ۱۴ مه ۱۹۸۰ دولت افغانستان استناد شده است. بیانیه آنگاه یاد آور شده است: در حایکه تحولات داخلی افغانستان تجدیدی برای صلح آیشد در منطقه و یا در جهان نیست، این افغانستان است که مورد آماج اقدامات تجاوزکارانه از خارج و دیگر اشکال مداخله از امور داخلی خود قرار گرفته است. بدین دلیل است که از نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی دعوت شد که برای کمک به مردم افغانستان و برای های مسلح این کشور در سرکوب تجاوزات ضد انقلابی - یسوی، وارد کشور شوند.

در باره همچنین به اعلامیه مشترکی که در جریان دیدار بزرگ کارمل از اتحاد شوروی، در اکتبر ۱۹۸۰ منتشر شد و در آن تأکید گردید که: مسئله خروج نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی را میتوان در چهارچوب حل و فصل سیاسی و قطع کامل تجاوز علیه افغانستان و تصمیمی مطلق که اقدامات خرابکارانه از خارج علیه افغانستان از سر گرفته نخواهد شد، مورد بررسی قرار داده، اشاره شده است.

وزارت خارجه افغانستان در بیانیه خود یاد آور شده است: دیگر گویهای مثبتی که در مرحله جدید انقلاب افغانستان در کشور روی داده است، با تقاضای حمایت و رویش از این توده های وسیع زحمتکش کشور روبرو شده و این واقعت نشان دهنده تحکیم نژادینه قدرت خلق، توسعه

## در جلسه علنی مجلس گفته شد: پاک ترین و صادق ترین جوانان ما در سپاه پاسداران هستند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که بریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، دوی از نمایندگان در مورد مسائل مختلف مملکتی سخن گفتند و سپس بریاری انتخاب نماینده قوه مقننه در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران رای گیری شد.

اولین سخنران پیش از دستور جلسه دیروز، مهتمس صیغیان، نماینده تهران بود، که در ارتباط با مسائل مختلف و از جمله «گروگانگیری» سخنانی گفت.

حجت الاسلام لاهوتی، دومین ناطق قبل از دستور، ضمن اشاره به سرنگونی رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهی و پیروزی مرحله اول انقلاب گفت:

«بدلیل پیروزی انقلاب، نیکوهای نوری که لازمه هر انقلاب است، تکوین یافت. گمبته ها برای دفاع از انقلاب وجود آمد و سپاه پاسداران تشکیل شد و دادگاه های انقلاب پیچیده آمد» وی در بخش دیگری از سخنان، ضمن تأیید نهادهای انقلابی، درباره سپاه پاسداران گفت:

«هنر شک ندارد که پاک ترین و صادق ترین جوانان ما در سپاه پاسداران هستند»

حجت الاسلام لاهوتی آنگاه خواستار رفع اشکالات و ضعف های نهادهای انقلابی، بویژه نادگاه های انقلاب شد.

پس از پایان سخنان پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد و پس از شور و بررسی برای انتخاب نماینده قوه مقننه در مدیریت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران دوبار رای گیری بعمل آمد، که در نتیجه حجت الاسلام روحانی نفر اول و حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری نفر دوم شدند. ولی چون اکثریت مطلق آرا بدست نیامد، رای گیری به امروز موکول شد.

## نخست وزیر اقدام...

پتی از صفحه ۱  
امت مسلمان ما علیه امپریالیسم و شیطان پرستی بنیت بیستید و با مقاومت سرسختانه خود در برابر میل افراطی و اتهامات و عوامل داخلی و خارجی شیطان بزرگ، روحیه رزمنده و مقاوم امت شید پرور و انقلابی ایران را به جهانیان عرضه داشته اند، مسلمت مسلمانان را و هوشیار ما را که به است انقلاب پرستی را که به دست شما انجام شده، هیچگاه از یاد نخواهد برد و تاریخ انقلاب اسلامی، ایران را این فرود ماها که «کار شما انقلاب پرور بزرگتر از انقلاب اول، بیوسته به یاد خواهد داشت»

## بیزاد نبوی...

پتی از صفحه ۱  
قوانین داخلی آمریکا و قوانین جهانی را زیر پا می گذارد و به طریق تارهای تأیید می کند، قراردادهای آمریکا بیچوجه ضعات اجرایی ندارد و طرفهای آمریکا در دنیا، نتوانند به انجام عهد و قولهای روسای جمهوری آمریکا اطمینان داشته باشند»

بیزاد نبوی، همچنین گفت: «اگر اینها (آمریکاییها) مغتری نبردند، با نگاه گذرا به شکنجه گاهایی که خود در اوین، قزل - قلعه، زندان قصر و تمامی زندانهای بزرگ رژیم منحوس و سافت شده پهلوی ساخته اند، می فهمیدند چگونه انقلابیون این ملت به گروگان گرفته شده را شکنجه می کرده اند و آنگاه از وجدان شرمند خود تذاب می کشیدند»

وزیر مشاور گفت: «توب بود در لحظه خروج گروگانهای جلوس از ایران، تنها یکان از ده هزارتن شکنجه شده رژیم آمریکایی شاه معذور را به خاطر می آوردند که چگونه در حایکه این شکنجه شده و شاهد زنده فقط ۵ سال دارد، به دستور جاسوسخانه آمریکا در تهران بیخاطر فعالیت سیاسی پدرش، دو دستش را قطع کردند»

سخنکاری دولت در این مساجه تاکید کرد: «باید از فالتی - جوانان مسلمان بیرون خط امام، تشکر کنیم که علیرغم نرفت عقبتان از سیاست آمریکا و امتنان آن در ایران، چنین بزرگوارانه بسا مسیین بدبختیهای ملتشان، خوشفرای کردند»

بیزاد نبوی در این مساجه، همچنین ضمن اشاره به جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران گفت: «چرا جاسوسان آمریکایی و مقامات واشنگتن، انتزاعی نمی کنند، چه جنایاتی بدست همین گروگانها و همکاران قبلی شان انجام گرفته و چرا به ملت آمریکا نمی گویند، ایرانیها و دیگر ملت های دریند، آمریکا را مسبب اصلی تمام بدبختیهایشان می دانند»

وزیر مشاور و سخنکاری دولت جمهوری اسلامی ایران در پایان، تأکید کرد که با توجه به پیشبینی توطئه های آینده آمریکا، با تمام گروگانهای جاسوس مساجه های تلویزیونی انجام شده که در صورت تکرار انحرافی سیاستمداران واشنگتن، این مساجه ها از طریق ماهواره برای تمام مردم دنیا پخش خواهد شد، تا معلوم شود: «چه کسی دروغگوست و از بیان واقعت می ترسد، واشنگتن یا تهران»

**کمک مالی به**  
**حزب توده ایران**  
**وکند و فاع انقلابی است!**

۴ و ف (از فلکشان) ۸۰۰ ریال  
هورک ۱۵۰۰ ریال  
هون ۱۲۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی بهنام تقی گمش و به شماره ۳۳۲۲ شعبة ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهبه دکتر حسین فطمی بپردازند.



### امپریالیسم فرانسه، تحریکات خود را در آفریقا افزایش میدهد

روزنامه «هروزم» چاپ کوئبوک، پایتخت پهن-درباره تحریکات امپریالیسم فرانسه در آفریقا از جمله می نویسد: «فرانسه قصد دارد شمار نیروهای خود را در جمهوری آفریقای مرکزی به ۸ هزار تن افزایش دهد، بنوشته این روزنامه «فرانسه به پیمانهای پویج و واهی نیروهای تقویتی به دیگر کشورهای آفریقای کینیل میدارد. این روزنامه می افزاید: «اتحاد عمومی آفریقا با تکراری جدی این تحریکات را دنبال می کند».

در این میان رئیس جمهوری کشور آفریقای مرکزی در صیاحی با تلویزیون فرانسه گفته است «از نیروهای فرانسوی ممکن است علیه کشورهای همسایه استفاده شود».

لازم به تذکر است که دیوید داگو، که با حمایت چریک‌انان فرانسوی بقدرت رسیده و اکنون رئیس جمهوری جمهوری آفریقای مرکزی است، سابقه طولانی در خدمت به امپریالیستهای فرانسوی داشته است.

### برگزاری جشن‌های میلاد پیامبر اسلام توسط مسلمانان اتحاد شوروی

مسلمانان اتحاد شوروی در جمهوری‌های مختلف این کشور، جشن‌های سالروز تولد پیامبر اکرم را باشکوه فراوان برگزار کردند. بمناسبت میلاد پیامبر اسلام، جشن‌ها و مراسم ویژه در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برگزار شد. همچنین مناسبت منقش شیخ ضیاعالدین خان ابن ایسان پایتخت روسای مسلمانان آسیای میانه، در تاشکند سخنرانی کرد و از حوزه علمیه اسلامی «میر عرب» در شهر بخارا، دیدن کرد. مسلمانان شهر ژنیرا، که از ترکستان، جشن‌ها را در مسجد تازه شهر برگزار کردند. شیخ عبدالغنی عبدالغنی، معاون شورای مسلمانان در سخنانی تأکید کرد: «پیامبر اکرم از آرمناهای ولای صلح و دوستی و همکاری میان ملت‌ها حمایت کرده است».

همچنین در مسجد جامع مسکو بمناسبت مراسم دعا و نیایش با شرکت مسلمانان شهر و مسلمانان کشورهای دیگر منقش مسکو، پوزنه دانشجویان کشورهای اسلامی که در آموزشگاه‌های عالی اتحاد شوروی در مسکو تحصیل می کنند، برگزار شد.

### روزنامه «نایس» چاپ کابل:

### جنگ اعلان نشده علیه انقلاب افغانستان را آمریکا رهبری می کند

روزنامه «نایس» چاپ کابل، درباره نقش امپریالیسم آمریکا در

منتشج نگاهداشتن منطقه نوشت: «از سخنان مقامهای آمریکایی چنین بر می آید که این کشور خواهان حل و فصل سیاسی اوضاع منطقه و اوضاعی که پیرامون افغانستان ایجاد شده، نیست».

«نایس» خاطر نشان کرده است: «جنگ اعلان نشده علیه انقلاب افغانستان را آمریکایی‌ها رهبری میکنند».

این روزنامه اضافه کرده: «افغانستان بارها آماده‌گی خود را برای حل و فصل سیاسی اوضاع منطقه پراساس حسن‌مهوری، برابری کامل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر اعلام کرده است».

### نخست وزیر ژاپن اوضاع کامپوچیا را وارونه جلوه می دهد

سفارت جمهوری سوسیالیستی ویتنام در بانکوک اعلام کرد: «سوزوکی نخست وزیر ژاپن علیه ویتنام دست به افترا زده و حقایق اوضاع کامپوچیا را وارونه جلوه داده است».

سفارت جمهوری سوسیالیستی ویتنام تأکید کرد: «هدف از این تاشیبا توجیه جنایات پانده خون آشام پوپولویست-ینگ ساری است و سوزوکی ایندیا به تحریکات و مداخلات یکن و دیگر نیروهای ارجحانی در امور داخلی کامپوچیا اشاره نکرده است».

سوزوکی در جریان دیدار اخیر خود از تایلند، اراچیف ایرانیان آمریکایی و متحدان چنین-ژاپنی را در درباره باصلاح مسئله کامپوچیا موبه مو تکرار کرد.

### شوخی نیست ... !

### فریلون تنکابنی

### به مناسبت رفتن کارتر و آمدن ریگان

### سخن گفتن ریگان با کارتر و پاسخ شنیدن

ریاهی، سالی که نکوست از بهارش پیداست، یانگی که بد است، از تیارش پیداست ریگان که پوره عاجز و کساری نکند، این‌ها همه از داد و هوارش پیدامنت.

کارتر گفت: «چنان برادر، رنج پیورده روا مدار و تقم ناممکن مکار، شست بر سندان لستیزد و عاقل آبروی خود نریزد، این ملت که من دیدم، پیدی فیند که از این پادها بلرزند، و از این لاف و کزاف‌ها بترسند چندان برایت شیشکی بندند و چنان به ریشت خندند که رسوای خاص و عام شوی، و همچون من و صدام، نامراد و ناکام گردی، پرچمت بسوزند و بر سبیلت...»

کارتر می گوید که در این ملکه، کارتر که از حقوق بشر، جت لفته و شن ندانست، و در برابر انقلابیون عالم کاری نتوانست، و در ایام او، ایران از سوی و تیکاراکوه از دیگر سو، از کف او بدر شد، و در آنکولا بدنام گشت و در زیمبابوئه گام، و خود به کلهی معروف و به دیوانگی موصوف بود، چنانکه گویند:

این کارتر دیوانه  
در خاور میانه  
اعدام باید کرد  
این نوجوه عضو سام  
این کله‌پوک بدنام  
ناکام باید گردد.

چنان برادر، چهار سال ریاست به دروس سیاست تیرزد، بهش آن که تو نیز دم درکشی و سر تسلیم فرود آری و تخم پشیمانی و حسرت نگاری، که گفته‌اند: پشیمانی را سود نیست و این کارها دگرده نیست:

شبهی یسار دارم که چشم نغفت؛  
شنیدم که کارتر به ریگان بگفت:  
که من می‌روم دگر بسوزم رواست،  
تو را گریه و سوز باری چر است؟  
بگفت: ای برادر، تو چون می‌روی،  
از این زجر و اندوه، خوش می‌روی،  
منم چهار ماسی اسپر قفسی،  
چه آسودگی کی بر آدم نفس.  
ز ایران هزاران بلا می کشم،  
تو خود خوب دانی چه‌ها می کشم  
بگفتم چو: رخصتی، چوایم بده  
بگفت: فتوی، یانگی پند نپسند  
ز دست چکد خون خلق جهان  
ز مرد وزن و خرد و پیر و کلان  
ز خاکش ویتنام کردت برون،  
به خون می‌کشی خلق ما را کتون؟  
فلسطین و هند و کسره،  
دل جسله از گساره‌ایت پره».

ندانم چه خاکی به سر من کشم  
مگر جسامه مرگ بر تن کشم.  
دو صد فار دارم، هزاران سیاه  
ل کار من زار و بستم تپسار.  
تو کارت دم است و چانت خلاص،  
مر اول کار هو: و هراس،  
اگر چند «کاپوی» هتم همی،  
چو ششول دارم، تسدلم غمی.  
ولی گاو من سخت زائید و من  
د افتاده‌ام دژ عذاب و معن.  
دو را آتش خشم گر بر سوخت،  
مرا بین که تا پای تا سر بسوخت».

چپانه، تو ریگان به آتش بسوز  
چو کارتر که گردید بدحال و روز  
ز مستکبرانم رهناسی بده  
چو مستمندان هرسوانی بده  
پراکندگی را ز مسا دور کن  
به وحدت، صف خلق بر زور کن

... مغضوب و بازیگری به جای او منصوب شد، هفت تیر بند و گاوچران، موسوم به ریگان، که سر بر آستان شیطان سوری، و ذ کله‌اش مغزی نبودی، پنداشت که سیاست و سروری، بازی و بازیگری است، و دنیا صحنه سینما. نه هر که دم ز حقوق بشر زنده، پش است. غلام ثروت و جاه و مرید زور و رز است. نه هر که پشت دو ششول، و روی اسپ نشست، ز ما به حضرت ریگان بگو: غلافش کن! تنگ فستقی من ز موشک تو سر است. هر آن که گفت به من وحشی بیابانی خود اوست وحشی و خونخوار و پست و بد گس است. به هر کجای جبهان می‌روی از ایمن وحشی خرابی است و ز کشتار و غارتش اثر است. زمن به ملت ایران بگو: هزار احسنت! ز انقلاب تو او خوار و زار و در به در است. چه خوب پوززه او را به خاک مالیدی، ز ضربت تو گسرید زخمی و پکر است. اگرچه گسار چران باشد و کند آندازه، هوای مید تو دارد، نگاه کن چه خر است! به روی صحنه دنیا زبسون و خیط شود، درون «استودیو» ماهر و زرنگ اگس است.

شبه در خلوت کاخ سفید آن بازیگر پلیده، کارتر را گفت: «گوشمال ایرانیان را زود نچینیدی و دیدی آنچه دیدی، ایرانی را چه رسد که به جاسوسخانه رود و مزاحم جاسوسان ما شود. آنان را به بند کشند، و عرض و آبروی ما بیرد. آنگاه که زمان کار به دست من افتد، آنان را لرزه بر جان‌وقن آند، فرماندهان را گرمی صحرایان ویژه رپسه کنند تا ایرانیان ماست‌ها کیسه کنند، جاسوسان را بهانه کشم و ناو نیروی به ساحل‌شان روانه کشم. قرار و مدار با چین گذارم و بنادر ایران مین گذارم، فرمان دم به ملات و یگین، تا از هوا و زمین، به ایران لشکر کشند و ایرانیان را به خاک و خون درکشند. همدستی با قاپوس کم و رویاهاشان کابوس کشم. ضیاعالحق از شرق بسپس کشم و نارگان از غرب روانه خلیج کشم. ملک‌معصوم را گرمی آروا کشم در اختیار صدام بند و ملک‌حسین را فرایم تا سیاه به آن ناکام دهد. در ایران نیز گاه توطئه و کودتا کشم و گام‌شورش و بلوا کشم. گاه لیرال را شیر کشم و گاه ضدانقلاب را تیر کشم. انفرشی چنان کشم که ایرانیان را از کرده خود پشیمان کشم. و آب رفته بهجوی باز آرم و تخم استعمار، دیگر یار، در ایران کارم. تا نقت خود بهما دهنه و بندگی ما را گردن نهند».